

راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان

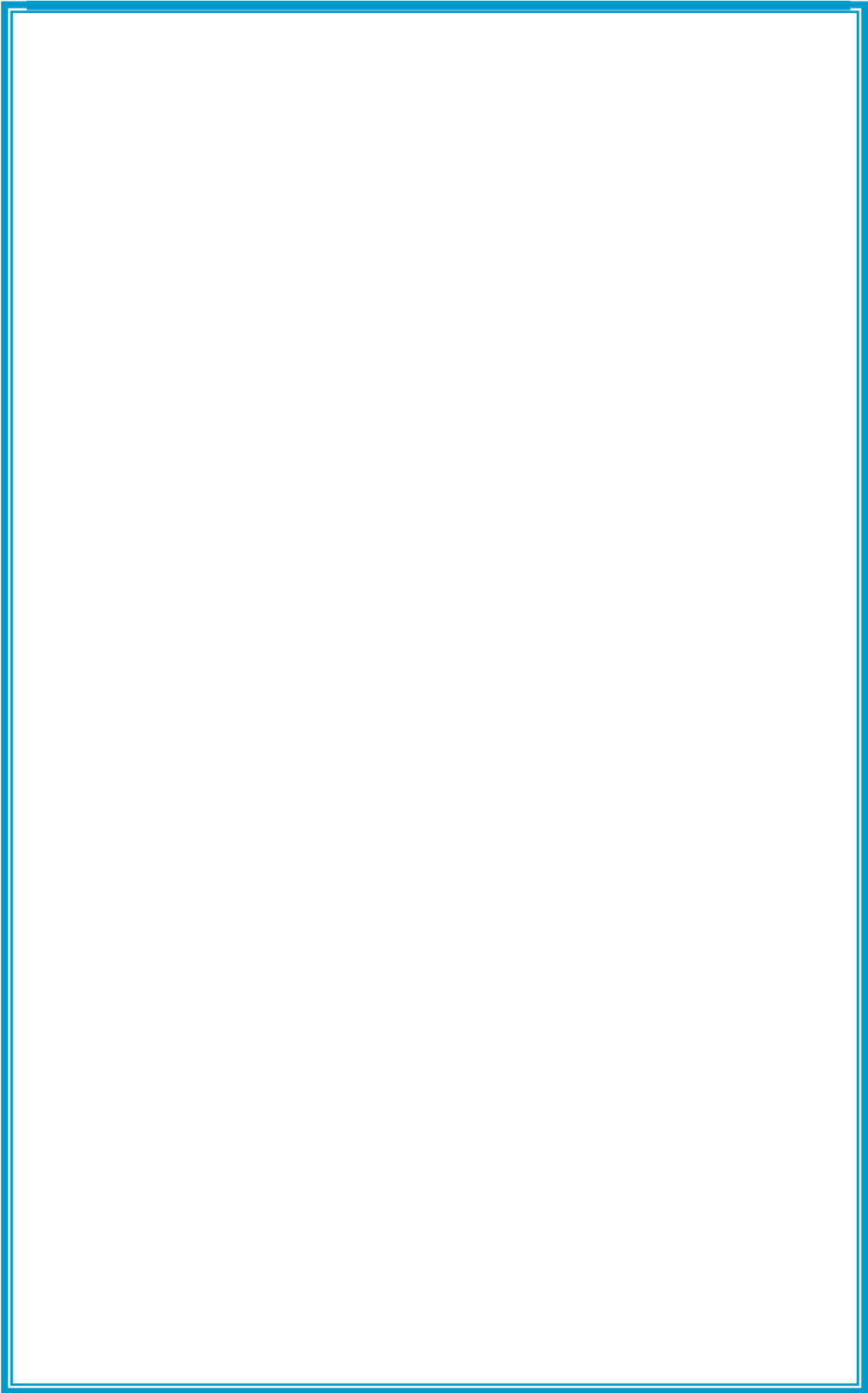


کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر



هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

کابل - افغانستان
فوس 1390



Map of Afghanistan



Source: UN Cartographic Centre, NY

فهرست موضوعات

اختصارات و واژه نامه	I
مأموریت هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان	II
روش تحقیق	III
1- خلاصه گزارش	1
پیشنهادهای کلیدی	6
2. زمینه	8
2.1- تصویب قانون منع خشونت علیه زن	8
2.2- ضعف های موجود در قانون منع خشونت علیه زن	10
تطبیق احکام مشخص	11
3. یافته ها پیرامون تطبیق قانون منع خشونت علیه زن	13
3.1- تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان	13
3.2- تطبیق قانون منع خشونت توسط خائرنولی ها	16
ولایت هرات: استفاده روز افزون از قانون منع خشونت علیه زن	17
خائرنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان	19
3.3- تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم	22
ستره محکمه	25
3.4- تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط پولیس در افغانستان	27
واحد پاسخ دهی به خشونتهای خانوادگی	27
3.5- استفاده از میانجیگری و میکانیزمهای سنتی حل و فصل منازعات در قضایای خشونت علیه زنان	32
نگرانیها درباره ای اتکاء به میانجیگری جهت حل و فصل قضایای خشونت علیه زنان	38
میکانیزم های عرفی حل و فصل منازعات	40
4. کمیسیون های منع خشونت علیه زنان	41
4.1- کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان	41
4.2- کمیسیونهای ولایتی	42
5. نتیجه گیری	46
6. پیشنهادات	47
قانون منع خشونت علیه زن	51

اختصارات و واژه نامه

کنوانسیون محو کلیه اشکال تبعیض علیه زنان	CEDAW
ریاست تحقیقات جنائی	CID
سازمان بین المللی انکشاف حقوقی	IDLO
پروگرام حمایت سکتور عدلی افغانستان	JSSP
پلان کاری ملی برای زنان افغانستان	NAPWA
دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر	OHCHR
هیئت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان	UNAMA
اداره ملل متحد برای زنان	UN Women
وزارت امور زنان	MoWA
ریاست امور زنان	DoWA
ماموریت پولیس اتحادیه اروپا برای افغانستان	EUPOL
قانون منع خشونت علیه زن	EVAW Law
واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی	FRU
صندوق جمعیت ملل متحد	UNFPA

اصطلاحات دری، پشتو و عربی

دادن یک زن (برای ازدواج) بخاطر تلافی قتل یا دیگر جرایم	بد دادن
جرایم قابل مجازات الی سه ماه حبس	قباحت
گردهمایی متنفذین راجع به یک موضوع مهم	جرگه
شوهر و زن به یکدیگر و یا اقارب نزدیک دیگری که ازدواج با آنها ممنوع می باشد	محرم
سند الزام آور	تعهد نامه
ساختار استخدام کارکنان در یک اداره	تشکیل
محققین یا دانشمندان دینی	علماء
مقاربت جنسی خارج از رابطه زوجیت	زنا

مأموریت هیئت معاونت ملل متحد در افغانستان

این گزارش با هدف پیشبرد مأموریت دفتر هیئت معاونت ملل متحد برای افغانستان (یوناما) مبتنی بر قطعنامه 1974 سال 1390 (2011) شورای امنیت سازمان ملل متحد تهیه شده است: "در تحقق آزادی های اساسی و موازین حقوق بشر مندرج در قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی که افغانستان به عنوان یک جانب در آن معاهدات میباشد، بخصوص معاهدات مرتبط به برخوردای کامل زنان از حقوق بشری شان، با دولت افغانستان همکاری نماید".

پاگراف 37 قطع نامه شماره 1974 شورای امنیت سازمان ملل متحد از تعهد دولت افغانستان در برابر "ایجاد یک استراتژی جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن بشمول ارایه خدمات به قربانیان" استقبال می نماید.

یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در مشارکت با دولت افغانستان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و نهاد های جامعه مدنی، بخصوص با گروه های جامعه مدنی زنان، یک سلسله فعالیت ها را با هدف ترویج و حفاظت از حقوق زنان برای زندگی عاری از خشونت و تبعیض انجام میدهد.

بخش حقوق بشر دفتر یوناما از دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در افغانستان نیز نمایندگی میکند و مورد حمایت آن قرار دارد. این بخش راجع به فعالیت های خود سالانه گزارشی را از طریق کمیشنر عالی سازمان ملل متحد برای حقوق بشر به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد ارسال می کند.

روش تحقیق

این گزارش مبتنی بر یافته های تحقیقات میباشد که از اول سال 1389 الی 10 سنبله 1390 (مارچ 2010 الی سپتامبر 2011) توسط کارمندان بخش حقوق بشر یوناما/ دفتر کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر در دفتر مرکزی و در هشت دفتر ساحوی این سازمان اجراء شده است. کارمندان این سازمان آمار و ارقام مفصل را در مورد تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالان، قضات و افسران پولیس و همچنین در مورد وضعیت عملکرد کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زنان جمع آوری نموده است. به این منظور کارمندان این بخش بیش از 261 مصاحبه را در 33 ولایت کشور منجمله با 67 خارنوال، 52 افسر پولیس، 43 قاضی، 45 کارمند وزارت امور زنان و ریاست های امور زنان و همچنین 17 مصاحبه با کارمندان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان انجام داده اند.¹ مصاحبه ها با بررسی جداگانه ای قضایای خشونت علیه زنان در دوره مذکور (2010 تا 2011) و همچنین مطالعه گزارش ها و اسناد مرتبط موسسات دولتی و غیردولتی و نمایندگی های ملل متحد، انکشاف یافته است. این گزارش چگونگی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط دولت در طی اولین سال کامل دوره تطبیق این قانون (1389) را در محور توجه خود قرار داده است. علاوه بر آن این گزارش شامل یک سری تحقیقات کلی در شش ماه اول سال 1390 نیز میشود. افغانستان در تمام اسناد رسمی خویش تاریخ هجری-شمسی را به کار میبرد.

این گزارش حاوی اطلاعات آماری در مورد چگونگی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط مسئولین قضایی در مرکز² 31 ولایت از جمله ای 34 ولایت افغانستان در سال 1389 می باشد. در تهیه این گزارش از اطلاعاتی که پولیس، خارنوالی ها و همچنین محاکم شهری با دفتر یوناما/ کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر شریک نمودند استفاده شده اند، هرچند تمامی مسئولین بطور منظم اطلاعات را ثبت ننموده و یا آماده تشریک چنین اطلاعات با یوناما نبودند. باید گفت که در این گزارش اجراءات محاکم و خارنوالی های ولسوالی ها و همچنین محاکم استیناف و ستره محکمه، بجز موارد کلی، درج نگردیده است.

¹ یوناما/ کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر نتوانست با مقامات در ولایت هلمند به دلیل محدودیت های دسترسی مصاحبه نماید، با آن هم یک سری معلومات از هلمند با همکاری تیم بازسازی ولایتی حاصل شد.

² هر ولایت افغانستان یک حوزه قضایی در مرکز ولایت دارد که معمولاً یک محکمه شهری و خارنوالی شهری در آن فعالیت میکنند و همچنین به تعداد ولسوالی ها یک محکمه و خارنوالی دارد. به علت محدودیت های دسترسی؛ اطلاعات جمع آوری شده از ولایات لوگر، نورستان و میدان وردک نامکمل میباشد. بعضی اطلاعات در رابطه به ولایت نورستان براساس مصاحبه هایی با مسئولین آن ولایت که در جلال آباد مستقر اند، جمع آوری شده است. پولیس و محاکم در چند ولایت از تشریک اطلاعات با یوناما خود داری نمودند.

این گزارش قضایای خشونت علیه زنان را که به نهادهای مختلف به شمول پولیس ملی، وزارت امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان گزارش شده است، نیز یاد آور می‌شود. این گزارش هیچ اظهاریه‌ای در مورد اینکه آیا میزان خشونت علیه زنان در افغانستان در حال افزایش و یا کاهش است، ندارد. وزارت امور زنان پس از ایجاد یک بانک اطلاعاتی به جمع‌آوری اطلاعات در مورد قضایای خشونت علیه زنان در سال 1385 (2006) اقدام نمود که در نهایت توسعه و بهبود این بانک اطلاعاتی میتواند ارایه یک تصویر واضح از کل قضایای خشونت علیه زنان در افغانستان را ممکن سازد.³ یوناما، اداره ملل متحد برای زنان (UN-Women)، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، وزارت امور داخله و شبکه زنان افغان همه از تلاش‌ها برای تقویت سیستم ثبت و ردیابی خشونت علیه زنان و از جمله تقویت بانک اطلاعات خشونت علیه زنان در وزارت امور زنان حمایت می‌کنند.

³ مطابق گزارش منتشره در وب سایت وزارت امور زنان (www.mowa.af.gov)، این وزارت 4103 قضیه را در سال 1389 ثبت نموده است. جزئیات شاخص ثبت قضایا توسط این وزارت در هنگام تدوین این گزارش در دست رس نبود.

1- خلاصه گزارش

"من حتی یک قضیه خشونت علیه زن را ثبت نکرده‌ام. نگرانی‌های امنیتی، رسوم و رفتارهای سنتی قدرتمند و موانع روانی شرم و ترس، زنان را از طرح قضایای شان در محکمه باز میدارد"⁴
یکی از مسئولین محکمه در ولایت خوست

دولت افغانستان با تصویب قانون منع خشونت علیه زن در عقرب سال 1388 (اگست 2009) گام مهمی را در جهت حمایت از برابری زنان و حفاظت حقوق بشری آنها برداشته است. این قانون مهم برای اولین بار ازدواج زیر سن، ازدواج اجباری، خودسوزی اجباری و 19 عمل خشونت آمیز دیگر به شمول تجاوزجنسی علیه زنان را در افغانستان جرم شمرده و بر مجازات عاملین آن تأکید می‌نماید.

این گزارش، تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط ارگانهای عدلی و قضایی را در سراسر افغانستان از اول حمل 1389 الی سنبله 1390 بررسی نموده که در آن خلاهای بزرگ و پیشرفت‌های مثبت را مشاهده نموده است.⁵ این گزارش یافته‌های اولیه در مورد تطبیق قانون مذکور را که در گزارش یوناما تحت عنوان "عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان" (19 قوس 1389) درج گردیده بود، تازه و به روز ساخته است. گزارش مذکور رفتارهای زیان آور علیه زنان را که بطور گسترده وجود دارد ثبت نموده و در ضمن قانون منع خشونت علیه زن را به مثابه یک ابزار کلیدی برای مبارزه علیه خشونت می‌داند که اکثراً ریشه در اینگونه رسوم و رفتارهای زیانبار داشته و برابری زن و مرد را نفی و بدرفتاری‌های پنهان خانوادگی را نیز تحمیل می‌نماید. این گزارش (گزارش راه طولانی فرا روی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان) دریافته است که تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط دولت و بطور خاص توسط پولیس و خازنوالی بسیار محدود بوده و بخاطر بهبود اجراآت جهت تطبیق درست این قانون به تلاش‌های بیشتری نیاز می‌باشد. تحقیقات یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان میدهد که مسئولین عدلی و قضایی در بسیاری از بخش‌های کشور قانون منع خشونت علیه زن را مورد استفاده قرار داده است، اما این استفاده در قسمت تعداد محدود از قضایای خشونت علیه زنان صورت گرفته

⁴ مصاحبه یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر با یکی از مسئولین محکمه استیناف در ولایت خوست، 29 حمل 1390

⁵ افغانستان در اسناد رسمی اش از تاریخ هجری شمسی استفاده می‌نماید. طوریکه در بخش روش تحقیق ذکر گردید، این گزارش معلومات آماری مفصل در 31 ولایت از سال 1389 را توأم با یک سری معلومات عمومی در طی شش ماه اول سال 1390 ارائه میکند.

است که نشان دهنده این واقعیت است که برای حفاظت کامل زنان با استفاده از قانون منع خشونت علیه زن راه درازی در پیش رو می باشد.

آمار و ارقام رسمی و جامع در مورد تعداد قضایای خشونت علیه زنان در افغانستان موجود نبوده و اکثر رویدادها حتی گزارش نمی شوند. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در سال 1389 به تعداد 2299 قضیه خشونت علیه زنان را در جریان اولین سال کامل تطبیق این قانون (1389) به ثبت رسانیده است که میتواند مطابق قانون منع خشونت علیه زن جرم تعریف شود. با در نظر گرفتن ارقام مذکور (2299 قضیه خشونت علیه زنان) منحصیث مبنی آمار ت تخمینی، تحقیقات یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در مورد اجراءات قضایی نشان می دهد که از جمله قضایای مذکور خارنوالان در 28 ولایت از 34 ولایت افغانستان، بر اساس قانون منع خشونت علیه زن تنها 26 درصد شکایات را ثبت و کمتر از هفت درصد آن (155 مورد) را پی گیری عدلی نموده است و تنها حدود 4 درصد این قضایا (101 مورد)، بر اساس قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم رسیدگی شده است.⁶

با اینکه، این روند رو به افزایش تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر امید وار کننده می بیند، اما محدود بودن شکایات و قضایایی که مورد پیگرد عدلی وقضایی قرار گرفته واضح می سازد که دولت هنوز قانون مذکور را در اکثر قضایای خشونت علیه زنان تطبیق نکرده است.

خارنوالان در 17 ولایت⁷ راجع به قضایای مذکور به پیشگاه محکمه اقامه دعوی نموده است. ولایت هرات با 68 مورد اقامه دعوی توسط خارنوالی 35 مورد رسیدگی توسط محکمه براساس این قانون، در رأس قرار دارد. خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل، تقریباً نصف از مجموع قضایای خشونت علیه زنان در سراسر کشور را ثبت نموده است؛ 285 قضیه از کابل و 47 قضیه از 19 ولایت دیگر. خارنوالی مذکور تنها 21 قضیه را در جریان سال 1389 به محکمه جهت تعقیب قضایی، ارجاع نموده است.

یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنان موارد فزاینده از قضایای خود کشی دختران و زنان مستأصل را در مناطق جنوب و جنوب شرق افغانستان ثبت نموده است که اکثر

⁶ معیارهای ثبت شکایت توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر یکسان با معیارهای ثبت توسط پولیس و دفتر خارنوالی نمیباشد. 28 ولایت مذکور قرار ذیل میباشد: بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، کندهار، خوست، کنر، کندوز، لغمان، لوگر، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پکتیکا، پنجشیر، پروان، تخار و زابل. دفاتر سارنوالی در چهار ولایت سمنگان، سری پول، اروزگان و کاپیسا هیچ قضیه خشونت علیه زن را براساس قانون منع خشونت علیه زن ثبت نکرده است و دفتر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر معلومات کافی راجع به چگونگی ثبت قضایا در دولایات میدان وردک و نورستان بدست نیاورده است.

⁷ چهارده ولایت مذکور قرار ذیل اند: بدخشان، بلخ، بامیان، فراه، فاریاب، غزنی، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، قندوز، کنر، لغمان، لوگر، ننگرهار، پکتیا و تخار.

آنها توسط پولیس تحقیق نشده است در حالیکه قانون منع خشونت علیه زن در ماده 21 مجبور نمودن به خودکشی را جرم انگاری نموده است.

یوناما/کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافت کرده است بعضی قتل ها یا جرایم شدید دیگری که در قانون منع خشونت علیه زنان جرم انگاری شده به جای اینکه براساس قانون منع خشونت علیه زنان رسیدگی شود، بر اساس قانون جزاء رسیدگی عدلی قضایی میشود که در نتیجه بعضاً منجر به براءت متهم یا اتهام سبکتر یا مجازات خفیف تر گردیده است و زنان نیز به ارتکاب "جرایم اخلاقی" متهم میگردد.⁸

در بسیاری از مناطق پولیس و خانونالان به ارجاع قضایای خشونت علیه زنان به میانجیگری و میکانیزمهای عرفی حل و فصل منازعات که نه قانون منع خشونت علیه زن و نه قانون جزاء را تطبیق میکند و نه حقوق زنان را به قدر کافی حمایت می نمایند، ادامه داده است. گزارش هذا دریافت شده است که بسیاری از دوسیه های خشونت علیه زنان که به پولیس و خانونالان گزارش شده، در خارج از سیستم عدالت رسمی از طریق میانجیگری، فشار جهت انصراف از پیگیری شکایت و یا هم ارجاع به بزرگان در میکانیزم های عرفی حل و فصل شده اند. یوناما همچنین استفاده گسترده از میانجیگری را برای حل خشونت های خانوادگی توسط نهادهای مختلف به شمول واحد پاسخ دهی به خشونت های خانوادگی پولیس، ریاستهای امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان مشاهده و در این گزارش درج نموده است.

توسل به میانجیگری تا حدی بیانگر خواست صریح زنانی است که عمدتاً علیه شوهران خویش شکایت ترتیب می دهند، اما به نظر می رسد که مسئولین بطور نامناسب و حتی با فشار به قربانیان پیشنهاد می کنند تا شکایت خود را پس گرفته و به میانجیگری متوسل شوند. استفاده گسترده از میانجیگری برای حل و فصل قضایای جدی خشونت علیه زنان با بهترین رویه های بین المللی و روحیه و متن قانون منع خشونت علیه زن که خواهان حمایت از حقوق قربانیان خشونت، جلوگیری از خشونت بیشتر و تحت پیگرد عدلی قراردادن مرتکبین خشونت میباشد، در تضاد است.

⁸ برای قتل های که سبب آن تجاوز جنسی (ماده 17 فقرات 1 و 2 قانون منع خشونت علیه زن)، سوختاندن و استعمال مواد کیمیاوی و زهری (ماده 20 فقره 2 قانون مذکور)، جراحت و معلولیت (ماده 22 فقره 2 قانون مذکور) میباشد، خانونالان باید قانون منع خشونت علیه زن را بر آن تطبیق نماید. جرایم به اصطلاح "جرایم اخلاقی" که در درجه اول "عمل زنا" (مقاربت جنسی خارج از رابطه زوجیت) از آن جمله است که در قانون جزاء و شریعت جرم میباشد اما "فرار از منزل" در قوانین افغانستان جرم نمی باشد. مقامات افغان اکثراً قربانیان تجاوز جنسی را که از "منزل فرار میکند" به زنا یا "قصد ارتکاب زنا" که اصولاً در قوانین افغانستان جرم نیست؛ متهم میکنند.

از زمان تصویب این قانون، در 28 ولایت⁹ کمیسیون منع خشونت علیه زن ایجاد گردیده است که بر اساس قانون منع خشونت علیه زن دارای مأموریت حمایت از اجرائ این قانون می‌باشد. گزارش دریافتی است که در حال حاضر فقط 16 کمیسیون مذکور فعال بوده و بطور منظم جلسات خود را برگزار می‌کنند و بسیاری آنها قربانیان خشونت علیه زنان را حمایت می‌نمایند و همچنان فعالیت های آگاهی عامه انجام می‌دهند ولی با آن هم تقریباً تمام این کمیسیون‌ها تا هنوز سعی دارند تا مأموریت خود را به وجه احسن انجام دهند که برای این مهم نیازمند به حمایت از سوی دفاتر والیان، وزارت امور زنان و دیگر ارگانهای دولتی می‌باشند. با اینکه اجرای قانون منع خشونت علیه زنان شروع شده است، اما آنطوریکه این گزارش نشان می‌دهد عدم آگاهی زنان و دختران از مقررات حمایتی این قانون، تطبیق نا منظم آن و گستردگی رسوم زیان آور باعث میشود که زنان هنوز هم بجای اینکه مورد حمایت اقدامات حمایتی و حفاظتی قرار گیرند، باید از خشونت و ازدواجهای اجباری فرار کنند. مراکز حمایتی برای زنان - یک پیشرفت نسبتاً جدید در افغانستان- برای زنان با تأمین سر پناه موقت گاهی اوقات نقش حمایتی خوب را برای حفظ حیات زنان ایفاء می کنند. شورای وزیران افغانستان برای اولین بار مقرر کرده مراکز حمایت از قربانان خشونت علیه زنان را به تاریخ 13 میزان 1389 (5 سپتمبر 2011) تصویب نمود. این مقرر خدمات مهمی را که این خانه‌های امن (متعلق به دولت یا موسسات غیر دولتی) ارائه میکنند بر شمرده و همچنین معیارهای لازم را برای طرز کار و اداره این خانه‌ها جهت حفظ حقوق و کرامت انسانی ساکنین آن در نظر گرفته است. اجرای این مقرر همراه با ایجاد خانه‌های امن در مناطقی که هنوز وجود ندارد، می‌تواند به زنان بیشتری فرصت برخورداری از حمایت‌های قانون منع خشونت علیه زنان را فراهم سازد.

رفع چالش‌های موجود در برابر تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان یکی از عناصر مهم پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (1377-1397) بوده که خواهان باز نگری چهارچوب قانونی و سیستم قضایی افغانستان می‌باشد تا بتواند برابری و عدم تبعیض علیه زنان را طوری که در قانون اساسی و معاهدات بین المللی حقوق بشر آمده، تضمین نماید. دولت بر تعهدات اش در قبال تساوی جنس در کنفرانس بین المللی کابل (1389) تأکید مجدد نموده و برنامه "ظرفیت سازی جهت تسریع اجرای پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" را به منظور ارتقای ظرفیت نهادهای مربوطه دولتی به هدف تسری مفاد پلان کاری مذکور در تمام فرایندهای پالیسی سازی، برنامه ریزی، بودجه سازی، اجراء، نظارت، گزارش دهی و ارزیابی در این

⁹ شش ولایت که در آن کمیسیون ولایتی منع خشونت تأسیس نشده عبارت اند از: کابل، نورستان، هلمند، قندهار، زابل، و پکتیکا

از برنامه‌های دارای اولویت ملی است که قرار است توسط بورد مشترک نظارت و انسجام مورد تصویب قرار گیرد. این پروگرام خواهان اجراء و رعایت بیشتر قانون منع خشونت علیه زن از سوی دفتر لوی خارنوالی، ستره محکمه و وزارت عدلیه به حمایت تمویل کنندگان بین المللی، می‌باشد.

رسوم و رفتارهای سنتی زیانبار توام با خشونت علیه زنان از مدتها بدینسو مانع مشارکت زنان در زندگی اجتماعی شده و نمی‌گذارد تا صدای آنها در نشست‌های تصمیم گیرنده شنیده شود. پیشرفت در اجرای قانون منع خشونت علیه زن می‌تواند زنان را قادر سازد تا در تلاشها و روند های صلح و مصالحه جاری در کشور، نقش مهمتری را ایفاء کند.

یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر تأکید دارد که این گزارش می‌تواند اساس خوبی برای ارزیابی اجرای بیشتر قانون منع خشونت علیه زن باشد و درک عوامل را که مانع پیگیری عدلی قضایی موارد خشونت علیه زنان میشود افزایش بدهد، و به همین شکل گستردگی مشکلات دست رسی زنان به عدالت را ترسیم نموده و به ارزیابی موثریت برنامه های آموزشی و آگاهی دهی کمک نماید. بدین منظور بخش حقوق بشر دفتر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر از دولت افغانستان درخواست می نماید تا تلاشهای به مراتب بیشتری را برای بلند بردن سطح آگاهی از قانون منع خشونت علیه زن در میان زنان و مردان اعم از شهری و روستایی و در تمام سطوح ادارات دولتی، به خرج دهد. ستره محکمه، وزارت داخله و دفتر لوی خارنوالی باید کارمندان خود را به طور کامل در تمام سطوح در قسمت تطبیق دقیق، سریع و موثر این قانون راهنمایی نمایند. همچنان پولیس، خارنوالان و قضات بسیاری از مناطق هنوز هم ضرورت به آموزشهای بیشتر راجع به نحوه به کاربردن این قانون دارند. تمویل کنندگان بین المللی باید به حمایت های شان از دولت در جهت اجرای قانون منع خشونت علیه زن افزایش داده و منابع لازم را برای انجام برنامه های آموزشی و مربی گری راجع به چگونگی تطبیق درست قانون مذکور تهیه نموده و به همین شکل از برنامه های آگاهی دهی که منجر به افزایش تطبیق این قانون و محافظت زنان قربانی خشونت میگردد، حمایت به عمل آورند.

¹⁰ پروگرامهای دارای اولویت ملی اهم برنامه های دولت افغانستان در چارچوکات استراتیژی انکشاف ملی افغانستان به منظور تحقق تعهدات سپرده شده در کنفرانس بین المللی کابل، میباشد. برنامه دارای اولویت ملی مرتبط به "پلان کالی ملی برای زنان افغانستان" در جلسه بورد مشترک نظارت و انسجام در 27 میزان 1390 تصویب گردید. بورد مشترک نظارت و انسجام در جنوری 2006 (جدی 1384) توسط دولت افغانستان و جامعه بین المللی به منظور هماهنگی راهبردی برای تطبیق موافقت نامه لندن و استراتیژی انکشاف ملی افغانستان، تأسیس گردید.

پیشنهادهای کلیدی

به دفتر لوی خائنوالی

- رهنمودهایی را برای خائنوالان صادر نماید و در آن مشخص سازد که چه نوع قضایای خشونت علیه زنان باید مورد پیگرد عدلی قرار گیرد و چه نوع قضایای مذکور میتواند به میانجیگری ارجاع شود.
- تعقیب عدلی تمام جرایم شدید خشونت علیه زنان را تضمین کند.
- عملکرد خائنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل را ارزیابی نماید تا معلوم گردد که چرا فقط یک تعداد محدودی از کل قضایای ثبت شده در این اداره مورد پیگرد عدلی قرار گرفته و چگونه میتوان کارهای این واحد را بهبود بخشید.

به وزارت داخله

- برای ریاست عمومی تحقیقات جنایی پولیس، بشمول واحد حل منازعات فامیلی، رهنمودهای را صادر نماید که در آن انواع جرایم خشونت علیه زنان را که باید تحقیق و تعقیب عدلی گردد و آن دسته دیگری از خشونت ها علیه زنان را که پولیس میتواند به میانجیگری محول نماید واضح و روشن سازد
- اطمینان حاصل کند که افسران پولیس تمام قضایای را که به آنها گزارش میشود به طور درست، آنطوریکه در ماده 7 قانون منع خشونت علیه زن پیش بینی گردیده، ثبت نموده و رسماً مستند سازی نماید به شمول قضایای که توسط پولیس به میانجیگری محول شده و یا توسط خود این واحد میانجیگری میگردد.
- اطمینان حاصل نماید که واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی منحصراً بخشی از ریاست تحقیقات جنایی از مزایای تمام آموزش ها در مورد شیوه ها و شگردهای تحقیق و تفتیش مستفید گردد و همچنان قادر باشند که بطور کامل در تحقیق جنایت های که در آن خشونت های فامیلی، تجاوز جنسی و یا سایر انواع خشونت علیه زنان شامل است، سهم بگیرند.
- اطمینان حاصل نماید که تمامی افسران زن واجد شرایط به وظایف مسلکی موظف شده و در ترفیع رتبه مورد توجه یکسان قرار میگیرند.

به ستره محکمه

- به دیوان جزاء عمومی و ریاست تفتیش قضائی هدایت دهد که تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان را در قضایای خشونت علیه زنان نظارت و بررسی کنند.

به وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان

- لایحه کاری لازم را برای کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زن منجمه برای اعضای مؤسس آنها ایجاد و بخاطر ثبت و پیگیری دوسیه‌های خشونت علیه زنان رهنمودهای لازم را نیز صادر نماید.
- از جامعه مدنی به شمول نمایندگان سازمان‌های غیر دولتی فعال در عرصه حقوق زن، مدیران خانه‌های امن و همکاران بین‌المللی برای اشتراک در جلسات کمیسیون عالی به عنوان ناظر به منظور گزارشدهی پیرامون موضوعات ویژه و همچنین حمایت فعالانه از کار کمیسیون، دعوت بعمل آورد.

به تمویل کنندگان بین‌المللی

- برنامه‌های کمک‌های فنیکی منسجم را به منظور افزایش حمایت از ابتکارات دولت جهت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن مانند: راه‌اندازی کمپاین‌های آگاهی‌دهی در سراسر کشور، مساعدت و تدویر برنامه‌های آموزشی برای کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زن و حمایت فنیکی از کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن، به طور کامل تمویل و تطبیق نمایند.
- تطبیق کامل پلان کاری ملی برای زنان افغانستان، برنامه‌های دارای اولویت ملی "قانون و عدالت برای همه" و "ظرفیت‌سازی جهت تسریع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" را به طور کامل حمایت و تمویل نمایند.

پیشنهادهای تفصیلی در پایان این گزارش ارائه گردیده است.

2. زمینه

میلیون ها زن و دختر افغان خشونت های را تجربه می کنند که غالباً ریشه در رفتارها و دیدگاه- های سنتی دارند که برابری زن و مرد را نفی میکنند. این رفتارها منجر به پنهان ماندن موارد بدرفتاری در محیط خانواده گردیده است و پولیس و مراجع قضایی بر عکس زنانی را بازداشت نموده و مورد پیگرد قرار می دهند که از ازدواج اجباری و یا اینگونه خشونت های خانوادگی فرار می نمایند.

گزارش های ذیل: "خاموشی خشونت است: به بدرفتاری با زنان در افغانستان خاتمه دهید" منتشره سرطان 1388 (جولای 2009)، و "عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان"¹¹ منتشره قوس 1389 (دسامبر 2010) از جمله گزارش هایی اند که خشونت گسترده علیه زنان در افغانستان را مستند سازی نموده اند.

2.1- تصویب قانون منع خشونت علیه زن

نگرانی گسترده از موارد خشونت علیه زنان، حکومت افغانستان را واداشت تا در ماه اگست 2009 قانون منع خشونت علیه زن را تصویب نماید که مهم ترین گام حقوقی میباشد که حکومت تا کنون برداشته تا اعمال خشونت آمیز علیه زنان را جرم انگاری نموده و مرتکبین آنرا به پنجه عدالت بسپارند.

تصویب این قانون نقطه عطف برای فعالان حقوق زن طی سالها مبارزه شان میباشد. آنها بودند که این قانون را تدوین و برای انفاذ آن تلاش نمودند. تنفیذ این قانون تعهد حقوقی دولت افغانستان را در قبال برابری حقوق و وجایب زن و مرد مندرج در قانون اساسی افغانستان، محقق ساخت.¹² و همچنین گام مهم تقنینی در راستای اجرای تعهداتی است که حکومت افغانستان با تصویب بدون شرط کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان قبول کرده است.¹³

قانون منع خشونت علیه زن 22 مورد خشونت علیه زنان را معرفی نموده است: تجاوز جنسی، مجبور نمودن به فحشاء، ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی

¹¹ متن هردو گزارش به زبان های انگلیسی، دری و پشتو در آدرس ذیل قابل دسترس است:

<http://unama.unmissions.org/Default.aspx?tabid=4654>

¹² به طور خاص به ماده 22 قانون اساسی مصوب 2 دلو 1382 (22 جنوری 2004) مراجعه نمایید.

¹³ بتاریخ 23 اسد سال 1359 (14 آگست سال 1980) امضاء گردید و بتاریخ 14 حوت 1381 (5 مارچ 2003) به

تصویب رسید.

صدمه برساند؛ آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و سایر مواد ضررناک؛ مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک، مجروح یا معلول نمودن، لت و کوب، خرید و فروش به منظور یا به بهانه ازدواج، بد دادن، نکاح قبل از اكمال سن قانونی؛ دشنام، تحقیر و تحریف؛ آزار و اذیت، انزوای اجباری، اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر، منع تصرف در ارث، منع تصرف اموال شخصی؛ ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛ کار اجباری، ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (86) قانون مدنی.

قانون مذکور برای افرادی که به ارتکاب این گونه اعمال متهم و مجرم شناخته شوند، مجازات تعیین نموده است و محکمه و خائنوالی را مکلف می‌داند "تا قضایای خشونت علیه زنان را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند." ¹⁴ قانون منع خشونت علیه زن با مکلف ساختن صریح پولیس به پذیرش و درج شکایات مرتبط به خشونت علیه زنان و رسیدگی به شکایات مذکور و درجریان قرار دادن وزارت امور زنان از اجراءات خویش، صلاحیت و موقف پولیس را تقویت نموده تا به قربانیان خشونت‌های مذکور مساعدت، حقوق و آزادی‌های افراد را حفاظت، جرایم را کشف و با آنها مبارزه نماید. ¹⁵

قانون منع خشونت علیه زن همچنین دولت را مکلف به اتخاذ اقدامات حفاظتی و حمایتی به نفع قربانیان می‌نماید. این قانون مکلفیت‌های ویژه‌ای را برای هفت وزارتخانه بر شمرده و تشکیل یک کمیسیون عالی برای منع خشونت علیه زن را پیش‌بینی نموده است که در ترکیب اعضای آن نمایندگان وزارت‌ها و ریاست‌های کلیدی شامل می‌باشند. کمیسیون عالی ادارات ولایتی را دستور داده است تا کمیسیون‌های منع خشونت علیه زن را در سطح 34 ولایت کشور ایجاد نمایند.

مراجع مختلف تمویل کننده بین المللی از تطبیق قانون منع خشونت علیه زن حمایت به عمل آورده اند. به طور مثال اداره ملل متحد برای زنان مساعدت‌های تکنیکی چند جانبه را به وزارت امور زنان ارائه می‌نماید. این وزارت نقش رهبری کننده کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را به عهده دارد. سازمان بین المللی انکشاف حقوقی (آیدیلو) به خائنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان خدماتی از قبیل آموزش، مساعدت‌های اداری و مربی‌گری ارائه نموده است. آیدیلو همچنین یک تعداد خائنوال‌ها را در ولایت هرات و قضاات را از ولایات کابل، قندهار، هلمند، ارزگان، زابل، ننگرهار، کنر و لوگر آموزش داده است. برنامه حمایت سکتور

¹⁴ فقره (4) ماده 7 قانون منع خشونت علیه زن.

¹⁵ به ماده های 5 و 26 قانون پولیس، فقره 2 ماده 29 قانون اجراءات جزائی موقت و ماده های 7 و 13 قانون منع خشونت علیه زن مراجعه نمایند.

عدلی و قضایی افغانستان (JSSP)¹⁶ سیمینارهایی را در زمینه تحقیقات جنایی ابتدایی به شمول تحقیقات در موارد نقض قانون منع خشونت علیه زن برای پولیس و تعدادی از خارتوالان کابل و نیز یک سیمینار را پیرامون قانون منع خشونت علیه زن برای یک تعداد دیگر از خارتوالان دایر نمود. داین کورپ (DynCorp)¹⁷، یک قراردادی خدمات، مقیم در ایالات متحده، واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی پولیس ملی افغانستان را آموزش می دهد که این کار می تواند سهم عمده ای را در تحقق اهداف قانون منع خشونت علیه زن ایفاء نماید. ماموریت پولیس اتحادیه اروپا در افغانستان (EUPOL) در حال فراهم سازی و انجام آموزش های ابتدایی در زمینه تحقیقات جنایی در مورد خشونت علیه زنان برای واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی و خارتوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان است.

یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر فعالیت های متعددی را به شمول نظارت دقیق قضایی خشونت علیه زنان در سراسر کشور، نشر گزارش "عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان" و فعالیت های آگاهی دهی و آموزشی در 23 ولایت کشور روی دست گرفته است و حمایت تخنیکی و رهنمایی های لازم را به ریاست های امور زنان در مورد ایجاد و فعال سازی کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن ارائه می نماید.

2.2- ضعف های موجود در قانون منع خشونت علیه زن

اگر چه قانون منع خشونت علیه زن نقطه عطفی در مبارزه برای جرم انگاری خشونت علیه زنان به شمار می آید، ولی گفتگوها پیرامون اعمال تعدیلات ممکنه در این قانون برای بهتر شدن آن از همان اوایل تسوید و تنفیذ آن آغاز گردید.

قانون منع خشونت علیه زن جرایمی را که زیر نام "دفاع از ناموس" ارتکاب میگردد به طور جداگانه جرم انگاری ننموده است و برخی جرایم دیگر مانند تجاوز جنسی و عنصر اکراه در آن را، که جرم تجاوز را از جرم زنا که به رضایت طرفین صورت می گیرد، متفاوت می سازد نیز به وضوح تعریف ننموده است.

این قانون هیچ اشاره ای به این موضوع نکرده است که مسئولین باید با زنانی که به منظور نجات از اعمال مجرمانه مندرج در قانون مذکور فرار می کنند، چگونه رفتار نمایند. در جریان بررسی قضایای انفرادی، یوناما به موارد بی شماری برخورده است که در آن دختران از خانه هایشان به

¹⁶ از طرف وزارت خارجه ایالات متحده، اداره بین المللی کنترل مواد مخدر و تنفیذ قانو (INL) حمایت می گردد.

¹⁷ طبق یک قرارداد امضاء شده با ایالات متحده امریکا موسسه نظامی داین کورپ خدمات آموزشی و مربیگری را برای وزارت امور داخله و پولیس ملی افغان ارائه می نماید.

خاطر نجات از ازدواج‌های اجباری و یا خشونت خانوادگی فرار نموده اند ولی نهایتاً بازداشت گردیده و معمولاً به اتهام "قصد ارتکاب زنا" محکوم شده اند به شمول محکومیت توسط ستره محکمه.¹⁸ در حالیکه قانون منع خشونت علیه زن مرتکبین این گونه جرایم را به مجازات محکوم می‌نماید، ولی از سوی دیگر هیچ گونه تدابیر حمایتی و حفاظتی را برای زنان و دخترانی که از اینگونه جرایم فرار می‌کنند، در نظر نگرفته است. بازداشت بودن تعداد زیاد زنان در محابس افغانستان به خاطر ارتکاب اعمال معروف به "جرایم اخلاقی" گویایی این حالت می‌باشد.¹⁹

همچنان این قانون پیگیری عدلی بسیاری از جرایم به شمول موارد جرمی بسیار جدی مانند خرید و فروش زن به خاطر ازدواج، بد دادن، ازدواج صغیر و یا وارد آوردن جراحت و یا معلولیت را منوط به تسلیم شکایت رسمی توسط قربانی یا خویشاوندان وی دانسته است. در صورتیکه عریضه‌ای درج نشود و یا اینکه زن قربانی در نتیجه فشار خانواده و یا ترس از انتقام از پیگیری شکایت خود انصراف نماید، دولت مکلف به تحقیق و تعقیب قضیه دانسته نمی‌شود. اینها کاستی‌های عمده در قانون نامبرده است که ایجاب می‌کند تا در آینده مورد تعدیل قرار گیرد.

تطبیق احکام مشخص

ماده 39 بند 2 - انصرف از پیگیری قضیه

بررسی یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان می‌دهد که فقره 2 ماده 39 از موادی است که بیشتر از هر ماده دیگر این قانون مورد استفاده قرار گرفته است، که به موجب این حکم مجنی علیها می‌تواند در هر مرحله از مراحل تعقیب عدلی از پیگیری شکایت خویش صرفنظر کند.²⁰ برخی از ناظران از حکم فقره 2 ماد 39 به دلیل مجازات‌های سنگین وضع شده در این قانون برای برخی از جرایم و تحمل ضررهای اقتصادی و اجتماعی توسط

¹⁸ به بخش مربوط به ستره محکمه در این گزارش مراجعه نمائید.

¹⁹ به گزارش یوناما تحت عنوان "عرف و عادات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زنان" منتشره 10 دسامبر 2010 نگاه کنید.

²⁰ ماده 39 فقره 2: "مجنی علیها می‌تواند در موارد مندرج فقره (1) این ماده در هر مرحله از تعقیب عدلی (کشف، تحقیق، محاکمه یا محکومیت) از شکایت خویش منصرف گردد، در این صورت رسیدگی به دعوی و تطبیق جزای متوقف می‌گردد." استثنائاتی در مورد جرائم تجاوز جنسی، اجبار به فحشا، افشای هویت قربانی، استفاده از مواد کیمیاوی و اجبار به خودسوزی و خودکشی در نظر گرفته شده است.

زنان که شوهران‌شان برای مدت‌های طولانی حبس می‌شوند، دفاع می‌نمایند.²¹ استناد به این ماده در اکثر موارد زنان را در وضعیتی آسیب‌پذیر نسبت به فشارهای خانوادگی و اجتماعی قرار می‌دهد.

ماده 42- عفو و تخفیف مجازات

اخیراً ستره محکمه ماده 42²² قانون منع خشونت علیه زن را که عفو و یا تخفیف مجازات محکومین جرایم خشونت علیه زنان را منتفی می‌دانست، ملغی اعلان نموده است؛ زیرا ستره محکمه حکم این ماده را در تناقض با صلاحیت عفو توسط رئیس جمهور که در قانون اساسی درج گردیده، یافته است.²³ مفاد ماده 42 ظاهراً چنین بود که اطمینان حاصل شود که فرد محکوم به مجازات جرایم خشونت علیه زنان از امتیاز رها شدن قبل از وقت که در اثر فساد اداری و یا واسطه بازی سیاسی صورت می‌گیرد، بهره برده نتواند. در صحنه عمل، برخی از مقامات قضایی به یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفتند که این ماده خارنوالان را از تطبیق قانون منع خشونت علیه زن باز میداشت. رئیس دیوان جزای محکمه استیناف ولایت فاریاب²⁴ گفت که خارنوالان ترجیح می‌دهند که علیه متهم با استفاده از قانون جزا اقامه دعوی نمایند، چون قانون منع خشونت علیه زن برای فرد محکوم جای عفو باقی نگذاشته است.

با اذعان به اینکه تعدیلات در این قانون به خاطر تضمین کامل حقوق زنان ضروری است، یوناما و گروه‌های فعال حقوق زن به این نظر اند که قانون فعلی نیز در صورتیکه درست تطبیق شود می‌تواند به عنوان ابزاری حقوقی قوی برای حمایت و بهبود حقوق زنان باشد و تطبیق آن منجر به کاهش عنعنات ناپسندی شود که باعث آزار و اذیت میلیون‌ها زن و دختر افغان در سراسر کشور می‌شود.

²¹ مصاحبه یوناما با وکلای مدافع Medica-Afghanistan، 12 اسد 1390 (3 آگست 2011).

²² تعلیق، عفو و تخفیف مجازات. "مجازات محکومین جرایم خشونت علیه زنان، تعلیق، عفو و یا تخفیف شده نمی‌تواند."

²³ مصوبه ستره محکمه مورخ 4 اسد 1390 (27 جولای 2011)، شورای عالی ستره محکمه همچنان در قبال استهدایی مبنی بر این که ماده (42) قانون منع خشونت علیه زن محدودیتی را در تطبیق فرامین عفو و تخفیف مجازات مقام عالی ریاست جمهوری ایجاد نموده، تصریح کرد که موضوع عفو و تخفیف مجازات مجبوسین نظر به حکم قانون اساسی کشور از جمله صلاحیت های رئیس جمهور بوده که میتواند به هر شکلی انرا اعمال نماید، بنابراین ماده فوق قانون منع خشونت علیه زن خلاف قانون اساسی بوده. نمیتواند قانون اساسی را مقید نماید بناء ملغی و غیر قابل تنفیذ میباشد.

²⁴ مصاحبه یوناما با رئیس دیوان جزای محکمه استیناف ولایت فاریاب 11 حمل 1390.

3. یافته ها پیرامون تطبیق قانون منع خشونت علیه زن

3.1- تعقیب عدلی قضایای خشونت علیه زنان

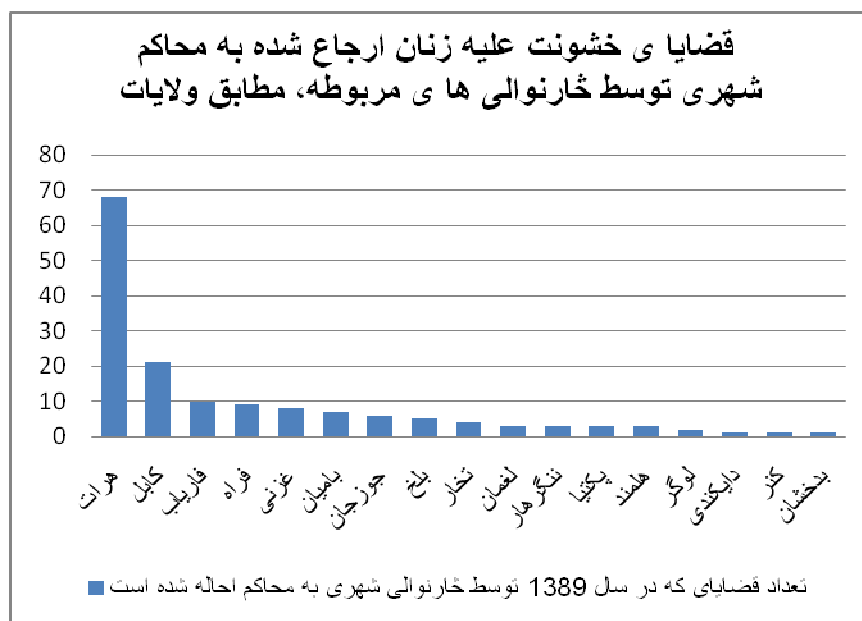
طی اولین سال کاملی که از تصویب قانون منع خشونت علیه زن سپری شده بود²⁵، خارنوالان در 28^{۲۶} ولایت از 34 ولایت کشور 594 مورد نقض این قانون را ثبت نموده بودند. ظاهراً این عملکرد میتواند یک آغاز خوب برای قانون جدید باشد؛ قانون که رسوم زیانباری را که موجب خشونت علیه زنان میگردد و عمیقاً ریشه دوانده است، به چالش میگیرد. به هر حال، خارنوالان تنها 155 قضیه مبتنی بر این گونه شکایات را به محکمه فرستاده اند که از آن جمله محاکم فقط 101 مورد آن را طبق قانون منع خشونت علیه زن رسیدگی نموده است. خارنوالان در 17 ولایت^{۲۷} راجع به قضایای مذکور به پیشگاه محکمه اقامه دعوی نموده است. ولایت هرات با 68 مورد اقامه دعوی 35 مورد رسیدگی توسط محکمه، در رأس قرار دارد. خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در کابل، تقریباً نصف از مجموع قضایای خشونت علیه زنان در سراسر کشور را ثبت نموده است؛ 285 قضیه از کابل و 47 قضیه از 19 ولایت دیگر.²⁸ ولی با آنهم اقامه دعاوی در محاکم توسط خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان نسبتاً کم بوده است. در کابل این واحد تنها 21 قضیه را طی سال 1389 (2010) به محاکم ارجاع نموده است.

²⁵ اول حمل 1389 الی اول حمل سال 1390.

²⁶ بیست و هشت ولایت مذکور قرار ذیل اند: ولایت مذکور عبارت اند از: بدخشان، بادغیس، بغلان، بلخ، بامیان، دایکندی، فراه، فاریاب، غزنی، غور، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، کندهار، خوست، کنر، کندوز، لغمان، لوگر، ننگرهار، نیمروز، پکتیا، پکتیکا، پنجشیر، پروان، تخار و زابل. سارنوالان در چهار ولایت سری پول، سمنگان، ارزگان و کاپیسا هیچ قضیه خشونت علیه زنان را براساس قانون منع خشونت علیه زنان ثبت و درج ننموده است. دفتر یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در ارتباط به دو ولایت میدان وردک و نورستان معلومات کافی در دست ندارد.

²⁷ بدخشان، بلخ، بامیان، فراه، فاریاب، غزنی، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، قندوز، کنر، لغمان، لوگر، ننگرهار، پکتیا و تخار.

²⁸ خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان همچنین 47 قضیه دیگر را از سایر ولایات ثبت نموده است و بعد از اجرای تحقیقات اولیه آنها را به خارنوالان مربوطه که جرایم مذکور در قلمرو قضایی آنها اتفاق افتاده بود، ارجاع نموده است. بعضی از این 47 قضیه در جمله 594 قضیه ممکن شامل باشد چون اینها ممکن در میان آن قضایای باشد که توسط خارنوالی های ولایات مختلف نیز ثبت گردیده اند.



594 قضیه ثبت شده بر اساس قانون منع خشونت علیه زن از سوی خارتوالان در 17 ولایت کشور نشان می دهد که این قانون در بسیاری از مناطق کشور در حال تطبیق شدن است. با این حال این عدد کمی بیشتر از یک چهارم تعداد شکایات مربوط به خشونت علیه زنان است که به دفاتر محلی کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان طی سال 1389²⁹ درج گردیده است. کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در همین مدت، 2765 قضیه را ثبت نموده است. با استفاده از ارقام کمیسیون مستقل حقوق بشر به عنوان مبنا³⁰، تحقیقات یوناما/دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافته است که از جمله 26 درصد آن (594 قضیه) توسط خارتوالی ثبت شده و 7 فیصد آن (155 قضیه) پیگیری عدلی شده و 4 فیصد آن (101 قضیه) بر اساس قانون منع خشونت علیه زن تحت دوران محاکماتی قرار گرفته است و توسط محاکم براساس قانون مذکور فیصله شده.

ولایت هایی که یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مشاهده نموده است که در آنجا این قانون هیچ تطبیق نشده عبارت از ولایات کاپیسا و ارزگان میباشد³¹ که این عدم

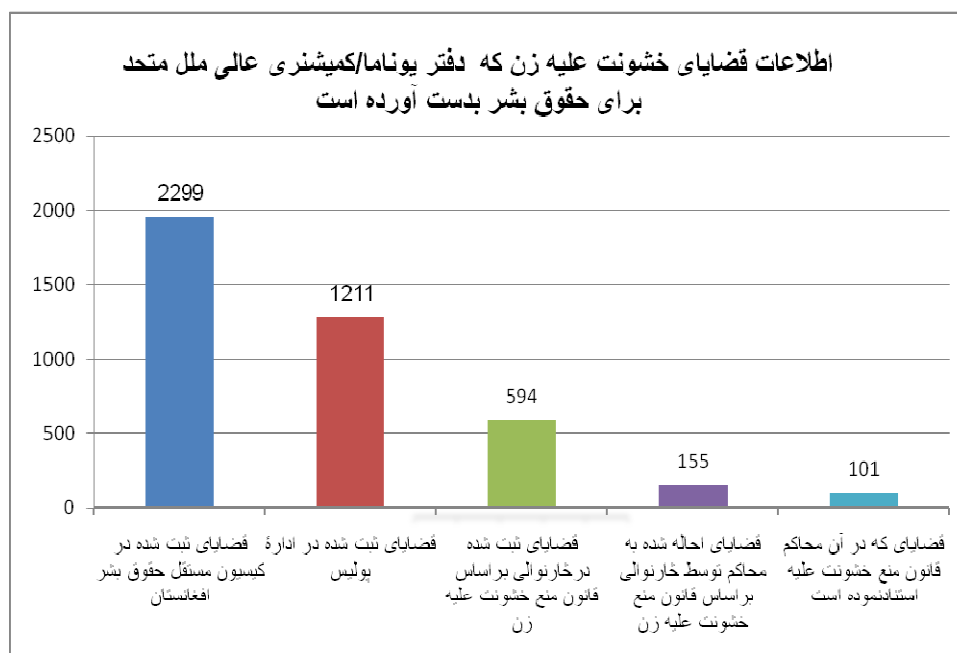
²⁹ 1389 کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان 2765 قضیه را در جریان سال 1389 ثبت نموده است که از آن جمله 2299 مورد آن مطابق قانون منع خشونت علیه زن میتواند جرم تعریف گردد.

³⁰ معیارهای ثبت شکایات توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان یکسان با این معیارها در ادارات پولیس و دفتر خارتوالی نمیشد به اضافه اینکه کمیسیون ممکن تعداد از شکایات دریافت کرده باشد که به ولسوالی ارجاع نموده و توسط یوناما سروی نشده باشد.

³¹ دفتر یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر راجع به نورستان و میدان وردک معلومات کافی در دست ندارد.

تطبیق قانون با ضعف و یا نبود حکومت، ناامنی عمومی و رایج بودن رسوم زینبار و تبعیض آمیز گسترده، تقویت گردیده است. زنان به ندرت از خانه‌هایشان بیرون میشوند. تعداد کمی دختران میتوانند به مکتب بروند. حتی اگر آنان از قانون منع خشونت علیه زن آگاهی هم داشته باشند، آنان قادر به دسترسی به پولیس و یا خارنوالی، ریاست امور زنان و یا دفتر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان نیستند.

رئیس محکمه استیناف ولایت خوست می گوید: "من خودم حتی یک قضیه خشونت علیه زن را هم ثبت نکرده‌ام. نگرانی‌های امنیتی، رسوم و عنعنات سختگیرانه و موانع اجتماعی روانی مانند شرم و ترس زنان را از اقامه دعاوی‌شان به محاکم باز می‌دارد."³²



❖ کمیسیون مستقل حقوق بشر، پولیس و خارنوالی‌ها معیارهای مختص به خود را برای ثبت قضایا دارند که این معیارها ضرورتاً مشابه نیستند.³³

³² مصاحبهٔ یوناما با رئیس محکمه استیناف درخوست 29 حمل 1390 (18 اپریل 2011)، خارنوالی شهر خوست دو قضیه را ثبت نموده بود و هردوی این قضایا توسط شکایت کنندگان پس گرفته شدند.

³³ آمار که توسط دفتر یوناما از ادارات پولیس، سارنوالی، و محاکم در ولایات دریافت شده جامع نمی باشد به خاطر که این ادارات خود یک آمار منسجم، باجزئیات و دقیق ثبت ندارد.

3.2- تطبیق قانون منع خشونت توسط خانونوالی ها

خانونوالی مرجع کلیدی در قسمت تطبیق قانون منع خشونت علیه زن می باشد. خانونوالان تحقیق می کنند، قرار دستگیری صادر می کنند، دستگیری توسط پولیس را تأیید می کنند³⁴، مرتکبین را توقیف نموده و تحت تعقیب عدلی قرار می دهند و حتی در تطبیق احکام محاکم نقش فعال دارند.³⁵ کیفیت اقدامات خانونوال و تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن و احکام این قانون و صدور رهنمودهای این اداره مبنی بر اتخاذ اقدامات سریع در قضایای خشونت علیه زنان³⁶ در مجموع نمایانگر این موضوع می باشد که آیا عدالت برای زنان قربانی خشونت تامین گردیده است. سایر قوانین افغانستان موقف خانونوال را در تامین حقوق کلیه شهروندان، به عدالت کشیدن مرتکبین جرایم و حصول اطمینان از تطبیق قانون³⁷ تقویت می کند.

به تاریخ 18 جدی 1389، لوی خانونوالی یک رهنمود فشرده اما روشنی را به خانونوالان فرستاد تا قضایای خشونت علیه زنان را با استناد به قانون منع خشونت علیه زن پیگیری نمایند.

قانون منع خشونت علیه زن در جریده رسمی نمبر (989) 1388/5/10 نشر و انفاذ گردیده اما اکثر خانونوالی ها و محاکم محترم در قضایای تجاوز جنسی و یا خشونت علیه زن باز هم به مواد قانون جزاء و یا ماده 130 قانون اساسی اتکا می نمایند که چنین اجراءات خطای قانونی بوده سبب نقض فیصله می گردد، خانونوالی ها در زمینه توجه جدی مبذول نمایند.

با آن هم یوناما مشاهده نموده است که برخی از مامورین عدلی و قضایی در هنگام ترتیب صورت دعوی و صدور حکم از قوانین دیگر به ویژه قانون جزاء، و احکام شریعت استفاده نموده است که در نتیجه بعضاً مرتکبین جرایم برائت حاصل نمودند یا به مجازات خفیف تر

³⁴ به اساس قانون اجراءات جزائی موقت خانونوال مکلف است تا دستگیری توسط پولیس را تأیید نموده در غیر آن شخص دستگیر شده رها می گردد. ماده (29 بند 1): نقش پولیس عدلی: پولیس عدلی وظایف خویش را به هدایت و دستور خانونوال ایفا می نماید. ماده (33 بند 1): تأیید تصامیم پولیس: خانونوال ابتدائیه مکلف است بعد از دریافت اطلاع در مورد اجراءات پولیس عدلی مندرج مواد (30، 31 و 32) بلافاصله در مورد تأیید، رد و یا الغای آن تصمیم اتخاذ نماید.

³⁵ ماده 8 بند 4 قانون اجراءات جزائی موقت: فیصله نهائی: خانونوال ابتدائیه فیصله های نهائی را در معرض تطبیق قرار می دهد؛ به این منظور محکمه مرافعه و ستره محکمه فیصله اتخاذ شده را با اسناد و اشیای ضبط شده دوباره به خانونوالی ابتدائیه ارسال می نماید. فقره (13) ماده (22) قانون تشکیل و صلاحیت خانونوالی.

³⁶ ماده 7 بند 4 قانون منع خشونت علیه زن "خانونوالی و محکمه ملکف اند قضیه خشونت را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند.

³⁷ ماده (12) قانون تشکیل و صلاحیت های خانونوالی: وظایف و صلاحیت های خانونوالی... (2) دفاع از حقوق سیاسی، حق کار و سایر حقوق و آزادی های اتباع مندرج در قانون اساسی و سایر اسناد تقنینی... (4) نظارت از تطبیق و رعایت یکسان قوانین در اجراءات ادارات مرکزی و محلی موسسات دولتی، مختلط و خصوصی، احزاب سیاسی سازمان های اجتماعی مسئولین امور و اتباع... (13) نظارت از تطبیق و تنفیذ تصامیم محکمه.

محکوم شدند و یا اینکه مجنی علیها نیز محکوم به ارتکاب "جرائم اخلاقی" شدند.^{۳۸} آموزش بیشتر خارنوالان از سطح ولسوالی الی سطوح بالایی و تداوم نظارت توسط لوی خارنوالی می-تواند تطبیق مؤثرتر این قانون را مخصوصاً برای تعقیب عدلی جرایم شدید خشونت علیه زنان، افزایش دهد. یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنان ملاحظه نموده است که بعضی خارنوالی های استیناف نیز آگاهی از قانون منع خشونت علیه زن را با تصحیح نواقص کار خارنوالان ابتدائیه و با به کار بردن قانون مذکور به شمول استناد به آن در قضایای ذیل، از خود تبارز داده اند:

- پولیس ولسوالی در ولسوالی شهر بزرگ، ولایت بدخشان، شکایت یک خانم 22 ساله را که حاکی از لت و کوب وی توسط شوهر و خانواده شوهرش بود، مورد بررسی قرار دادند. خارنوالی بررسی اش را تکمیل و قضیه را به محکمه ولسوالی فرستاد که مرتکبین را تنها مبلغ 1.000 افغانی (22 دالر امریکایی) جریمه نقدی نمودند. خارنوالی استیناف ولایت بدخشان حکم متذکره را مطابق با ماده 23 قانون منع خشونت علیه زن (لت و کوب) مورد اعتراض قرار داد که براساس آن در 22 میزان 1390، (12 سپتمبر 2011) محکمه استیناف، شوهر زن شاکی را به سه ماه حبس محکوم نمود.^{۳۹}
- در ولایت دایکندی، خارنوالی استیناف ولایت حکم محکمه ابتدائیه مبنی بر محکومیت دو دختر نابالغ به جرم زنا را با استناد به مواد 3 و 17 قانون منع خشونت علیه زن مورد اعتراض قرار داد اما محکمه استیناف ولایت برخلاف ادعای خارنوالی حکم صادر کرد.^{۴۰} هر دو دختر مذکور مورد تجاوز جنسی یک ملا امام شصت ساله قرار گرفته بودند که در نتیجه آن حامله شده بودند.

ولایت هرات: استفاده روز افزون از قانون منع خشونت علیه زن

خارنوالی ولایت هرات نخستین نهادی بود که قانون منع خشونت علیه زن را مورد تطبیق قرار داد. 26 قضیه را از تاریخ تنفیذ این قانون (10 اسد 1388) الی اول سال 1389 و 68

³⁸ نظارت و بررسی قضایای انفرای خشونت علیه زنان توسط یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در سراسر

افغانستان، حمل 1389 – میزان 1390

³⁹ جوابیه دفتر خارنوالی استیناف ولایت بدخشان به دفتر یوناما در حمل 1389

⁴⁰ گفتگوی یوناما بایکی از خارنوالان خارنوالی استیناف ولایت دایکندی، مورخ 17 اسد 1389. برای مشاهده قضیه به بخش "تطبیق قانون توسط محاکم" قسمت قضایا مراجعه نمایند.

قضیه^{۴۱} دیگر را در سال 1389 به محاکم ارجاع نموده است. محاکم در ولایت هرات (محکمه شهری) در 35 قضیه خشونت علیه زنان قانون مذکور را مورد استفاده قرار داده است. رئیس خارنوالی هرات این رقم درشت را به هماهنگی موثر بین نهاد های مربوطه، موثریت برنامه های آموزشی برای خارنوالان ولایت هرات توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوقی (IDLO) و اجراآت خوب خارنوالان در این ولایت نسبت داد.^{۴۲}

از جمله مثال های خوب تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالان هرات یکی هم تعقیب عدلی موظفین پولیس در محکمه نظامی به جرم تجاوز بر یک دختر 15 پانزده ساله می باشد. چهار تن از موظفین پولیس به تاریخ 1389/02/11 (31 اپریل 2010) دختر مذکور را در ولسوالی غوریان ولایت هرات در حالی مورد تجاوز جنسی قرار دادند که نامبرده برای جلوگیری از ازدواج اجباری از خانه فرار نموده و به سوی شهر هرات میرفت. خارنوالی برای موظفین پولیس طبق ماده 17 قانون منع خشونت علیه زن و ماده 429 قانون جزاء خواستار مجازات گردید. باوجود اینکه قانون منع خشونت علیه زن برای مرتکب تجاوز بر زن نابالغ حبس دوام پیش بینی کرده است، اما محکمه نظامی عاملین قضیه را به 12 الی 14 سال حبس محکوم نمود. محکمه استیناف نظامی نیز آنها را به تاریخ 10 آگوست 2010 محکوم نمود ولی در مدت حبس آنها را به 6 الی 8 سال کاهش داد.^{۴۳}

در قضیه دیگر، خارنوالان این ولایت ماده 22 قانون منع خشونت علیه زن و ماده 395 قانون جزاء را جهت محاکمه عاملین دو فقره قتل، به کاربردند. دو خواهر در سنین 15 و 17 ساله به تاریخ 1389/04/14 (5 جولای 2010 میلادی) در ولسوالی کرخ ولایت هرات به قتل رسیدند. طبق گزارش ها، دختر 17 ساله از ازدواج با مردی که خانواده وی برایش انتخاب نموده بودند، اباء ورزیده بود. پنج تن به شمول افرادی از خانواده ای که قرار بود خسر خیل آینده باشند و دو تن دیگر بر این دو دختر حمله نموده و آنها را به قتل رسانیدند. پولیس این پنج تن را به تاریخ 1389/07/23 (15 اکتوبر 2010 میلادی) دستگیر نمود. محکمه استیناف سه تن از آنان را برائت دادند ولی شوهر و فردی را که قرار بود خسر آینده مقتول باشد، به 16 سال حبس محکوم نمود.^{۴۴}

⁴¹ مصاحبه ی یوناما با رئیس خارنوالی هرات، مورخ 1390/03/03 (24 می 2011 میلادی). برخلاف سایر خارنوالی های که یوناما از آنها بازدید نموده، خارنوالی هرات تمام قضایای ثبت شده را جهت تعقیب عدلی به محاکم فرستاده است. شاید این بدان مفهوم باشد که قضایای که ثبت و بعداً از آنها صرف نظر صورت گرفته در جای دیگری ثبت شده است.

⁴² همان

⁴³ مصاحبه یوناما با رئیس خارنوالی نظامی ولایت هرات، مورخ 1390/01/29 (18 اپریل 2011 میلادی).

⁴⁴ مصاحبه یوناما با مسئول بخش قتل و جرح سارنوالی امنیت عامه، خارنوالی ولایت هرات، مورخ 1390/03/03 (24 می 2011 میلادی).

در ولایت هرات اکثریت قضایای که براساس قانون منع خشونت علیه زن ثبت و تعقیب عدلی گردیده بیشتر قضایای لیت و کوب می‌باشند. ما بقی آن شامل: ضرب و جرح مطابق ماده 22 (تقریباً 10 درصد)، دشنام، تحقیر و تهدید مطابق ماده 29 (تقریباً 6 درصد) و قتل در اثر ارتکاب جرایم مندرج در قانون مذکور (تقریباً 6 فیصد)، می‌باشد.

در حال حاضر زود است که گفته شود که تلاش‌های پیگیر مقامات ولایت هرات در راستای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن منتج به کاهش خشونت علیه زنان گردیده است. آمار و ارقام معتبر و دقیق در مورد تعداد قضایا در دسترس نیست و تجارب جهانی نشان می‌دهد که افزایش آگاهی از حقوق منتج به افزایش میزان گزارش دهی قضایا نیز می‌گردد. با این حال، مطالعه دقیق‌تر اوضاع در ولایت هرات ممکن معلومات مفید را برای تلاش‌های ملی جهت رسیدگی به قضایای خشونت علیه زنان فراهم نماید.

خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان

خارنوالی اختصاصی در جدی 1389 (مارچ 2010) با صلاحیت بررسی و پیگرد قضایای خشونت در برابر زنان، و حمایت و کمک به متضررین در تمامی مراحل، گشایش یافته و در جوزای 1389 (جون 2010) شامل تشکیل (چوکات رسمی دولت) لوی خارنوالی گردیده و اکنون دارای 11 خارنوال و 11 مامور دیگر می‌باشد.

خارنوالی اختصاصی می‌تواند قضایایی را از سایر نقاط کشور نیز دریافت کند، اما قریب به اتفاق کارهای این واحد مربوط به شهر و ولسوالی‌های کابل می‌شود که مرجع اول برای رسیدگی به موارد جرمی این بخش‌ها بشمار می‌آید.⁴⁵ با آنکه این واحد 285 قضیه را از کابل در سال 1389 (مارچ 2010 الی مارچ 2011) ثبت نموده، ولی تنها 21 قضیه را به محاکم در این سال ارجاع نموده است. از جمله 285 قضیه مربوط به شهر کابل، 76 قضیه را متضررین آن مطابق به ماده 39 انصراف دادند.⁴⁶ در بسیاری موارد دیگر دیده شده است که عارض شکایت خویش را تعقیب ننموده و به این اداره دوباره رجوع نکرده است.⁴⁷

⁴⁵ بعضی اوقات پولیس کابل قضایای مربوط به قانون منع خشونت علیه زن را به دفاتر خارنوالی‌های دیگر ارجاع می‌کند که آنها همواره قضایای مذکور را به خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان می‌فرستند. زمانیکه عارضین از ولایات دیگر مراجعه می‌نمایند، این واحد یک بررسی ابتدایی را انجام می‌دهد (مثل گفتگو با خود متضرر یا عارض، گرفتن اظهارات وی، فرستادن متضرر برای معاینه صحتی و تهیه یک دوسیه اولیه) و بعد دوسیه را به همان ولایت یا ولسوالی ارسال می‌کند که واقعه در آنجا صورت گرفته است.

⁴⁶ معلومات از بانک معلوماتی خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، توسط بنیاد بین المللی انشکاف حقوقی در ثور 1390 (می 2011) در میان گذاشته شد.

⁴⁷ مصاحبه ای یوناما با خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، مورخ 22 جوزای 1390 (12 جون 2011)

معاون لوی څارنوالی در امور تحقیقات جنایی به یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفت دلیل اینکه تعداد اندک قضایای خشونت علیه زنان مورد پیگرد عدلی قرار گرفته-اند، اینست که، بیش از 70 درصد از این قضایا که اکثراً جرایم سبک و از نوع قباح و جنحه سبک بوده‌اند یا به خاطر انصراف و یا حل و فصل آن از طریق میانجیگری حفظ می‌گردد.⁴⁸ تعداد زیاد باقیمانده این قضایا موضوعات دعاوی مدنی و درخواست طلاق می‌باشد که به محکمه فامیلی ارجاع می‌گردد. تنها یک رقم کمی از قضایای خشونت در برابر زنان که از جمله جرایم شدید می‌باشند باقی می‌ماند که مورد پیگرد عدلی قرار می‌گیرند. او میزان بلند میانجیگری یا منصرف شدن زنان از پیگیری شکایات شان را به عنعنات و رسوم افغانی نسبت داد.⁴⁹

وکلای مدافع چندین سازمان در گفتگویی با یوناما اظهار داشتند که څارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان بیشتر ترجیح می‌دهند تا قضایا را از طریق میانجیگری حل و فصل کنند. یک تن از وکلای مدافع زن گفت که "برای حفظ شیرازه خانواده تمامی قضایا نباید مورد پیگرد عدلی قرار گیرند. څارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان یک اهرم فشار خوب برای آوردن شوهر به میز مصالحه می‌باشد. بخاطر ترس از پیگرد عدلی، آنها نظریاتی را که از سوی این واحد برای مصالحه ابراز می‌شود، می‌پذیرند."⁵⁰ یکی دیگر از وکلا اظهار داشت که "برخی از خانم‌ها شکایت می‌کنند اما نمی‌خواهند جدا شوند و همینطور نمی‌خواهند که شوهر یعنی یگانه نان آور خانواده خود را در زندان بباندازند از این جهت آنها نیز تن به مصالحه می‌دهند."⁵¹ یکی دیگر از این مساعدین حقوقی به یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفت: "زمانیکه ما در آنجا یعنی څارنوالی اختصاصی می‌رویم، سه قضیه یا بیشتر قضایا را در عین زمان مشاهده می‌کنیم که به څارنوالی ارجاع شده است ولی اکثراً قضایای لت و کوب یا منازعات عادی می‌باشد که از طریق میانجیگری بین زن و شوهر حل و فصل می‌گردند."

یوناما/کمیشری عالی ملل متحد برای حقوق بشر به این نظر است که لوی څارنوالی به کمک جامعه بین المللی- در صورت درخواست- کارکرد های څارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان را ارزیابی نماید. میزان پایین پیگرد قضایا و میزان بالای منصرف شدن از قضایا را بررسی نمایند تا معلوم شود که آیا تغییرات در رسیدگی به شکایات نیاز است؟ این ارزیابی به

⁴⁸ جنایت، جنحه و قباحات براساس مدت محکومیت یا حبس، تعریف گردیده است

⁴⁹ گفتگوی یوناما با آقای نورحبیب جلال معاون لوی څارنوالی در امور تحقیقات جنائی، مورخ 19 اسد 1390 (10 آگست 2011).

⁵⁰ گفتگوی یوناما با میدیکا-افغانستان، مورخ 12 اسد 1390 (3 آگست 2011).

⁵¹ گفتگوی یوناما با سازمان قانون غوشته، مورخ 12 اسد 1390 (3 آگست 2011).

دلیل تاسیس قریب الوقوع واحدهای دیگر در شش ولایت یعنی بلخ، کندز، ننگرهار، پکتیا، پروان و کاپیسا با کمک سازمان بین المللی انکشاف حقوقی، خیلی مهم می‌باشد.⁵²

خارنوالان در خارنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان قضایا را تا سطح محکمه استیناف بررسی و پیگیری می‌نمایند، مرحله تمیز خواهی به ستره محکمه را ریاست خارنوالی جزای عمومی پیش می‌برد که خارنوالان این ریاست نسبت به خارنوالان خارنوالی اختصاصی کمتر با قضایای خشونت در برابر زنان آشنایی دارند.⁵³ نظر یوناما این است که لوی خارنوالی باید صلاحیت پیگیری تمامی قضایای خشونت علیه زنان را که به ستره محکمه می‌رسد، به این واحد تفویض نماید.

سارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان برخی از پیگیری های خود را با یوناما/دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر شریک ساخت که به شمول موارد ذیل می‌باشد.⁵⁴

- قوماندان امنیه ولسوالی میریچه کوت ولایت کابل قضیه خودکشی یک دختر 21 ساله را به خارنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان راجع نمود. علایم در پای و صورت این خانم این را ثابت می‌ساخت که وی در پی یک خشونت خانواده‌گی خود را کشته است. پس از تحقیقات ابتدائی، پولیس برادر شوهر خانم مذکور را دستگیر نمود. خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان مطابق ماده 21 قانون منع خشونت علیه زن بروی اتهام وارد نمود. شخص مرتکب از سوی محکمه ابتدائیه براءت حاصل نمود، اما خارنوال به تاریخ 14 جدی 1389 (3 جنوری 2010) استیناف طلب شد و به تاریخ 18 ثور 1390، (28 مارچ 2011) شخص مذکور از سوی محکمه استیناف مقصر دانسته شد و برای مدت سه سال محکوم به حبس گردید.

- به تاریخ 20 حمل 1389، خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان شکایت را از یک دختر 18 ساله از شهر کابل دریافت نمود که در آن شاکی مدعی شده بود

⁵² بیانیه مطبوعاتی سازمان بین المللی انکشاف حقوقی مورخ 28 سنبله 1390 امضاء یک تفاهمنامه با لوی خارنوالی افغانستان را اعلان داشت که بر اساس این تفاهمنامه سازمان مذکور اظهار آمادگی کرده بود که از شش کمیسیون مبارزه با خشونت علیه زنان حمایت‌های آموزشی و مربیگری به عمل می‌آورد. قرار شده است که زمانیکه این کمیسیون‌ها در تشکیل سال آینده اداره لوی خارنوالی ادغام میگردد، به واحدهای اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان ارتقاء پیدا کنند. این برنامه توسط اداره بین المللی تنفیذ قانون و مواد مخدر وزارت خارجه ایالات متحده امریکا (INL) حمایت می‌شود.

⁵³ در ثور 1390 (می 2011) یوناما/ دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دو قضیه ای را بررسی و نظارت نمود که در آن ستره محکمه تصمیم محاکم استیناف در قسمت قربانیان تجاوز جنسی دسته جمعی که متضمن محکومیت آنها به جرم "زنا" نیز بود مورد تایید قرار داد. توجه به رسیدگی قضایا در بالاترین سطح توسط خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان میتواند در بهتر شدن حل و فصل قضایای خشونت علیه زنان کمک نماید.

⁵⁴ گفتگوی یوناما باخارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ثور 1390 (می 2011).

که شوهرش وی را موردلّت و کوب شدید قرار داده است. مرتکب به جرم خویش اعتراف نمود. به تاریخ 25 ثور 1390، خانونوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان با استناد به ماده 23 قانون منع خشونت علیه زن دوسیه را به یک محکمه ابتدائیه در شهر کابل فرستاد. محکمه شوهر این خانم را مطابق به ماده 23 قانون منع خشونت علیه زن به دو ماه حبس محکوم نمود.

3.3- تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط محاکم

یوناما/دفتر کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافته است که خانونوالی ها قانون منع خشونت علیه زن را نسبت به محاکم با میل بشتر تطبیق نموده است. در حالیکه دفاتر خانونوالی در 28 ولایت قضایای خشونت علیه زن را ثبت نموده، محکمه ابتدائیه در مرکز ولایت یعنی محکمه شهری تنها در 14 ولایت⁵⁵ این گونه قضایا را با استفاده از احکام قانون منع خشونت علیه زن مورد رسیدگی قرار داده که مجموعاً 101 قضیه از 155 قضیه ارجاع شده به محاکم توسط خانونوالی ها در سال 1389، میباشد. بعضی از قضایا توسط شاکی مورد انصرف قرار گرفتند و بعضی از قضایا در هنگام پیمایش (سروی) در التوا قرار داشتند. در برخی موارد، قضات اتهامات وارده از سوی خانونوالان را تعدیل و درخواست خانونوالان را برای تطبیق قانون منع خشونت علیه زن رد نمودند و وصف جرمی دیگر را به عمل جرمی نسبت داده و در عوض قانون جزاء یا سایر قوانین افغانستان را به کار بردند.⁵⁶

در دو قضیه که در ذیل ذکر میگردد، زنان قربانی خشونت علیه زن، نیز به اتهام ارتکاب "جرائم اخلاقی" محکوم گردیده اند.

- به گونه مثال، در ولایت بامیان در یک قضیه که از نزدیک توسط یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نظارت گردید، خانونوال موظف بر اساس ماده 17 قانون منع خشونت علیه زن اتهام تجاوز دسته جمعی را علیه سه متهم وارد نمود اما قاضی محکمه شهری ولایت بامیان اتهام وارده را تغیر داد و به عمل جرمی مذکور وصف جرمی "زنا" داد و متضرر را نیز در جمع متهمین درآورد. محکمه استیناف و سرانجام ستره محکمه

⁵⁵ ولایت بلخ، بامیان، فراه، فاریاب، هلمند، هرات، جوزجان، کابل، کنر، لوگر، ننگرهار، پکتیا، پنجشیر، و تخار
⁵⁶ مطابق ماده 57 قانون اجراءات جزایی موقت در قضایای جزایی، خانونوال یک قضیه را به استناد مواد مرتبط قوانین که توسط فعل متهم ظاهراً نقض شده اند، ترتیب داده و حاله محکمه می نماید و مطابق آن مواد خواهان اعمال مجازات معین علیه متهمین از محکمه میشود. هرچند، محکمه ممکن توافق نکند و ماده دیگر و حتی قانون دیگر را به اساس استناد، مدارک و دلایل طرفین تطبیق کند.

حکم زنا را بالای همه تایید نموده، دختر شانزده ساله (قربانی تجاوز جنسی) را به یک سال حبس و سه مرد متهم را به حبس های مختلف الی سه سال محکوم نمود.^{۵۷}

• همچنان، با وجود برخی تلاش های دفاتر خارنوالی، محکمه ولایت دایکندی قانون منع خشونت علیه زن را تا حال تطبیق نکرده است. در یک قضیه، یک ملای شصت ساله متهم به تجاوز جنسی بر دو دختر ۱۴ ساله و ۱۵ شده بود. والدین دختران مذکور آنها را برای درس خواندن نزد این ملا فرستاده بودند. زمانی که قضیه به تاریخ ۱۰ حوت ۱۳۸۸ (۲۱ مارچ ۲۰۰۹) گزارش گردید، متضررین هفت ماه و هشت ماه بارداری بودند. هر دو دختر در اوایل می گفتند که ملای مذکور آنها را فریب داده و به آنها دوا داده بود. بعد، این حقایق بیشتر مغشوش گردید. یکی از این دختران گفت که او بصورت پنهانی با ملا ازدواج کرده و ملا نیز آن را پذیرفت، اما نتوانست ثبوت ارائه نماید. مقامات تنفیذ قانون ملای مذکور را بازداشت نمودند و او را مطابق به ماده ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن متهم به تجاوز جنسی ننموده بلکه متهم به زنا و هتک حرمت به تقدس و منزلت مسجد نمودند. همچنان خارنوالی شهری هر دو دختر را به اتهام زنا بازداشت کردند و آنها را به زندان زنانه در نیلی فرستادند هر دو دختر مذکور در جریان که تحت توقیف بودند وضع حمل نمودند. محکمه شهری ملای مذکور را مطابق قانون جزاء محکوم به ۱۲ سال حبس به دلیل ارتکاب "جرم زنا" نمود و هر دو دختر را نیز به دلیل ارتکاب "جرم زنا" هر کدام به ۶ و ۴ سال حبس محکوم نمودند. هرچند، خارنوال استیناف با این حکم مخالفت نمود و اظهار داشت که مواد ۳ و ۱۷ قانون منع خشونت علیه زن باید تطبیق گردد، اما محکمه استیناف آن را رد نمود. این محکمه ملا را تنها به اتهام ارتکاب زنا محکوم نمود و محکومیت او را به هشت سال کاهش داد، دختری را که ادعای ازدواج با ملا را کرده بود محکوم به حبس برای مدت سپری شده در توقیف خانه و دختر دیگر را به چهار سال حبس خانه محکوم نمود. در ۲۸ جدی ۱۳۸۹، (۱۷ جنوری ۲۰۱۰) ستره محکمه فیصله محکمه استیناف را تایید نمود. اگر ملای مذکور مطابق قانون منع خشونت علیه زن محکوم می گردید، این دو دختر بازداشت و محکوم نمی گردیدند. هر دو قضیه در نهایت با ازدواج زیر سن قانونی به پایان رسیدند، یکی از آنها با یک مرد که در مقام امین قرار داشت و او را مورد تجاوز جنسی قرار داده بود (ملای مذکور)، ازدواج نمود.^{۵۸}

^{۵۷} بررسی قضیه توسط دفتر یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، میزان ۱۳۸۹ الی ثور ۱۳۹۰

^{۵۸} نظارت یوناما از قضیه، حوت ۱۳۸۸ الی جدی ۱۳۸۹ (مارچ ۲۰۱۰ الی جنوری ۲۰۱۱)

در برخی از ولایات، یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مواردی را دریافته است که در آن قضات قانون مذکور را به طور مناسب تطبیق نموده است.

- در یک قضیه در میزان 1389، (اکتوبر 2010) محکمه شهری ولایت تخار یک زن را که همسر دوم شوهرش را با اذیت و آزار جسمی و ذهنی به خودکشی مجبور نموده بود، محکوم نمود. در حمل 1389، (اپریل 2011) محکمه شهری طالقان او را مطابق ماده 21 قانون منع خشونت علیه زن به 10 سال حبس محکوم نمود. محکمه استیناف نیز ماده 21 را تطبیق نمود ولی در آن حالت مخففه در نظر گرفت و محکومیت او را به پنج سال و شش ماه کاهش داد.⁵⁹

- به تاریخ 9 حمل 1390، (30 مارچ 2011) محکمه ولسوالی در ولایت جوزجان یک سرباز پیشین اردوی ملی را به دلیل مجبور نمودن همسرش به فحشاء محکوم نمود. این سرباز بخاطر عدم توانایی تامین مخارج زندگی، به خانمش گفته بود تا با صاحب زمین‌شان برای پرداخت کرایه منزل عمل مقاربت جنسی را انجام دهد. خانمش این درخواست شوهرش را رد و قضیه را گزارش داد. شوهرش نیز به عمل خود اقرار نمود و به سه سال زندان محکوم گردید که سپس محکمه استیناف محکومیت اش را به هفت سال افزایش داد.⁶⁰

- محکمه شهری گردیز در ولایت پکتیا قانون منع خشونت علیه زن را در دو قضیه، به شمول محکومیت یک مرد مطابق ماده 21 به دلیل مرگ همسرش از اثر خودسوزی، تطبیق نمود. به تاریخ 8 حمل 1389، (29 مارچ 2010) این خانم پس از آنکه شوهرش او را اجازه اشتراک در محفل ازدواج برادرش نداد، خود را آتش زد. شوهرش او را در شفاخانه در شهر کابل انتقال داد که سپس در آن جا فوت نمود. محکمه ولایتی این محکومیت را تایید نمود و این مرد به هفت سال زندان محکوم گردید.⁶¹

⁵⁹ جوابیه رئیس خارنوالی دیوان جزای ولایت تخار به یوناما، حمل 1390.

⁶⁰ جوابیه آمر دیوان جزای محکمه استیناف ولایت جوزجان به واحد حقوق بشر یوناما، حوت 1389.

⁶¹ گفتگوی یوناما با محکمه شهری گردیز، مورخ 4 ثور 1390 (می 2011)

ستره محکمه

با وجود آنکه ستره محکمه از تدویر برنامه‌های آموزشی راجع به قانون منع خشونت علیه زن حمایت و قضات آن در آن برنامه‌ها اشتراک نموده‌اند، اما رهنمودهای مشخصی را در مورد تطبیق این قانون به محاکم تابعه‌اش صادر ننموده است. در جلسه‌ای با یوناما،⁶² قاضی القضاات تایید نمود که خشونت در برابر زنان در افغانستان خیلی گسترده است و آگاهی از قانون منع خشونت علیه زن به طور کافی وجود ندارد.

به تاریخ 2 سنبله 1389 شورای عالی ستره محکمه طی "مصوبه شماره 572" خویش رهنمود را راجع به چگونگی رسیدگی به قضایای "فرار از منزل" صادر نمود. مطابق رهنمود مذکور محاکم باید ارزیابی نمایند که فرار کننده مجرد می‌باشد یا متأهل و علت وانگیزه فرار چه بوده و به کجا فرار نموده است؛ به خانه اقارب یا اجنبی. مطابق این رهنمود اگر یک زن به خاطر نجات از ظلم و خشونت اعضای خانواده اش فرار میکند و به خانه اقارب خویش یا محارم شرعی خویش میرود و یا به مراجع عدلی مراجعه میکند، مستوجب مجازات نمی باشد. در این مصوبه شورای عالی ستره محکمه می نویسد: اگر فرار به خانه اجنبی صورت گرفته باشد اگرچه انگیزه فرار ناشی از ظلم و شکنجه اعضای فامیل باشد ولی ازاینکه فرار کننده به مراجع عدلی و امنیتی مراجعه نکرده به جای نا مناسب متوسل گردیده و این عمل میتواند باعث بروز جرایم و محظورات شرعی مانند زنا و فحشا گردد، که شورای عالی ستره محکمه آنرا غیرقانونی و مطابق شریعت ممنوع و قابل تعزیر دانسته است.

رهنمود ظاهراً یک اقدام مثبت علیه رویه معمول دستگیری دختران که به فرار از منزل متوسل میشوند به نظر میرسد، اما تحلیل و مطالعه دقیق نشان میدهد که محاکم ماده 130 قانون اساسی (که به محاکم اجازه میدهد در موارد که در قوانین افغانستان راجع به یک قضیه هیچ حکم مشخص وجود نداشته باشد، احکام فقه حنفی را تطبیق نماید) را برای توجیه یک رسم و عئنه که آزادی رفت و آمد زنان را محدود میسازد و در شریعت هیچ اساس ندارد، مورد استفاده قرار میدهند.

به تاریخ 14 سنبله 1390 دفتر یوناما کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مکتوب از ستره محکمه دریافت نمود که در آن ریاست تدقیق و مطالعات ستره محکمه رویکرد گزارش یوناما (گزارش عرف و عئنان ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان) به

⁶² 15 حمل 1390

⁶³ مصوبه شماره 572 در مکتوب مورخ 27 اگست 2010 صادر شده از طرف ریاست دارالانشای شورای عالی ستره محکمه در جواب به استهدای سازمان بین المللی انکشاف حقوقی که درباره مبنی حقوقی دستگیری و تعقیب عدلی به اتهام "فرار از منزل" توضیح خواسته بود، نقل قول گردید. این رهنمود در روزنامه اصلاح 3 سنبله نیز نشر گردیده است.

موضوع فرار از منزل دختران و زنان و برداشت دفتر یوناما/ کمیشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر از رهنمود اگست 2010 ستره محکمه در رابطه به قضایای مذکور را زیر سوال قرار داده است. در این مکتوب ستره محکمه استدلال نموده است که "مجازات برای جلوگیری از احتمال اضرار اصل شرعی و حقوقی دارد ... ولی جلوگیری از آمیزش غیر محارم و جلوگیری از فساد اخلاقی و اضرار بی عفتی در این قضیه در صدر توجه قرار دارد. موضوع تساوی جنیست یا عدم تبعیض جنسی یک موضوع مطلق نیست بلکه استثنایات مشهور و متعارف در نظام های حقوقی تمام کشورها دارد به عنوان مثال منع اشتغال زنان در کارهای زیر زمینی و یا کارهای ثقیله و یا منع زنان از اشتغال با کارهای شبانه که به سطح جهانی پذیرفته شده است از مسائل و استثنایات است که هرگز به تساوی زن و مرد در برابر قانون صدمه نمی زند." ستره محکمه به ماده 3 قانون اساسی اشاره نموده که می گوید: "در افغانستان هیچ قانون نمی تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد."⁶⁴ در حالیکه یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر از گفتگوی ستره محکمه پیرامون این مسائل مهم استقبال میکند، به این نظر است که این مسئله مستلزم توجه، مطالعه و مباحثه بیشتر به منظور حمایت کامل از حقوق زنان میباشد.

مهم ترین اقدام ستره محکمه در پیوند با قانون منع خشونت علیه زن عبارت از فیصله مورخ 4 اسد 1390 شورای عالی ستره محکمه است که در آن، ماده 42 قانون منع خشونت علیه زن را به دلیل اینکه عفو و تخفیف محکومیت های اشخاص مرتکب جرایم مندرج در قانون منع خشونت علیه زن را ممنوع کرده بود، ملغی اعلان نمود. شورای عالی ماده متذکره را با اختیارات رئیس جمهور مندرج در قانون اساسی در تعارض یافتند و چنین بیان نمودند: "شورای عالی ستره محکمه همچنان در قبال استهدایی مبنی بر این که ماده 42 قانون منع خشونت علیه زن محدودیتی را در تطبیق فرامین عفو و تخفیف مجازات مقام عالی ریاست جمهوری ایجاد نموده، تصریح کرد که موضوع عفو و تخفیف مجازات محبوسین نظر به

64 در 14 سنبله 1390 (5 سپتامبر 2011) یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر مکتوب را از ستره محکمه دریافت نمود در آن محکمه ضمن تقدیر از این دفتر برای انتشار گزارش عرف و عنعنات ناپسند و تطبیق قانون منع خشونت علیه زن در افغانستان مینویسد: "با آنکه عنعنات ناپسند از قرون متمادی بحیث یک میراث کهن دامنگیر مردم افغانستان می باشد که نمی توان به آسانی و به زودی از آن رهایی یافت مگر محتوای کتاب برای روشن ساختن اذهان مردم اعم از زن و مرد و فراهم شدن تدریجی زمینه های مطلوب بسوی یک تغیر مثبت نقش مهم خواهد داشت." در همان نامه، ستره محکمه رویکرد گزارش یوناما به موضوع فرار از منزل دختران و زنان و برداشت دفتر یوناما/ کمیشنر عالی ملل متحد برای حقوق بشر از رهنمود اگست 2010 ستره محکمه در رابطه به قضایای مذکور را مورد سوال قرار داده است. رهنمود مذکور ضمن دیگر مسائل میگوید اگر یک زن (مجرد یا متأهل) حتی برای "فرار از آزار و اذیت" به یک جایی پناه می برد که خانه یکی از اقارب و محارم وی و یا یک نهاد عدلی و قضائی نباشد، این کار وی "ممنوع و قابل تعزیر می باشد" چون این کار "می تواند عوامل بروز محظورات شرعی مانند زنا و فحشا گردد".

حکم قانون اساسی کشور از جمله صلاحیت‌های رئیس جمهور بوده که می‌تواند به هر شکلی آنرا اعمال نماید، بنابر این ماده فوق در قانون منع خشونت علیه زنان خلاف قانون اساسی بوده، نمی‌تواند قانون اساسی را مقید نماید. بناء ملغی و غیر قابل تنفیذ می‌باشد.^{۶۵}

3.4- تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط پولیس در افغانستان

پولیس ملزم به تامین امنیت قربانیان خشونت و ارائه معلومات در مورد حقوق آنها و خدماتی است که برای‌شان وجود دارد. منحيث اولین ارگانی که اکثر زنان قربانی خشونت به آن مراجعه میکنند، پولیس اظهارات متضررين را می‌گیرد و گزارش مقدماتی خود را که حیاتی می‌باشد در مورد اوضاع و احوال می‌نویسد. اینکه چگونه آنها با حساسیت و دلسوزی، یا تغافل و تعصب پاسخ می‌دهند، مسیر اجراآت بعدی را جهت حصول نتایج تعیین می‌کند. سنجش تنفیذ قانون منع خشونت علیه زن توسط پولیس نسبت به خانونالی و محاکم مشکل‌تر است. ثبت قضایای خشونت علیه زنان توسط پولیس ثابت نیست و معمولاً به طور دقیق با جرایمی که در قانون منع خشونت علیه زن تعریف گردیده، مطابقت ندارد؛ به گونه مثال، قضایا به عنوان خشونت‌های خانواده‌گی یا اختلافات فامیلی ثبت می‌گردند و یا تعداد زیادی قضایا حتی ثبت نمی‌گردد.

یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر، 1.211 شکایات خشونت علیه زنان را که پولیس آن را بین اول حمل 1389 تا 29 حوت 1389 ثبت نموده، دریافته است.^{۶۶}

واحد پاسخ دهی به خشونت‌های خانوادگی

یوناما/ کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافته است پولیس در ولایاتی که واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی وجود دارد و اکثریت اعضای آنها زنان‌اند، شکایات بیشتری را دریافت می‌نمایند و احتمال اقدام بر اساس آن بیشتر است. توسعه این واحد، که نه کاملاً بلکه اکثراً متشکل از زنان پولیس است، می‌تواند در بهتر شدن پیگیری قضایات خشونت علیه زن توسط پولیس کمک کند. این واحد 355 مامور تحقیق دارد که در 148 دفتر در سراسر

⁶⁵. فیصله ستره محکمه را که به زبان دری نوشته شده، می‌توانید در این صفحه بیابید
<http://supremecourt.gov.af/fa/news/2538>

⁶⁶ این رقم دربرگیرنده اطلاعاتی از 26 ولایت می‌گردد که شامل ارقام بلند 293 در هرات، 237 در کندز، و 234 در کابل الی صفر در پکتیکا و غزنی می‌شود. یوناما قادر نشد تا اطلاعاتی را از پولیس هشت ولایت بدست آورد.

افغانستان فعالیت می نمایند. اکثریت کارمندان این واحد در ولایات، سواد کافی ندارند و در رابطه به چگونگی رسیدگی به قضایای خشونت علیه زن آموزش به خصوصی هم ندیده اند.⁶⁷ واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی بخشی از ریاست تحقیقات جنایی است که از لحاظ نظری اعضای آن می توانند در بررسی قضایای خشونت علیه زنان اشتراک نمایند، اما تنها تعداد کمی از فرماندهان این ریاست از این روند حمایت می کنند.⁶⁸ این واحدها بیشتر اختلافات و خشونت های خانواده گی را حل و فصل و در بررسی تجاوز جنسی، خودسوزی یا ازدواج اجباری خود را کمتر دخیل می سازند.⁶⁹ در خیلی از ادارات پولیس، زنان بدون مراجعه به مامور نگهبان (نوکر وال) و توضیح موضوع نمی توانند به واحد پاسخ دهی خشونت های فامیلی دسترسی داشته باشند.

یوناما/کمیسنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر دریافت است که در عدم موجودیت واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی یا عدم حضور افسران زن، قربانیان زن تقریباً هیچگاه داوطلبانه به مأموریت پولیس به دلیل ترس از بازداشت، لطمه به حیثیت شان و یا بدتر شدن وضعیت، مراجعه نمی کنند. پولیس در این ساحات قضایای خشونت علیه زنان را به ساختارهای عرفی حل منازعات یا به ریاست امور زنان ارجاع می دهد. در عین حال افسران پولیس، زنانی را دستگیر می نمایند که از خانه فرار می کنند و اکثراً دلایل فرار آنان را مورد تحقیق قرار نمی دهند. نظر به ساحات دیگر، شکایات زنان در مورد خشونت عموماً در کابل از شانس بیشتری برای پیگیری برخوردار است.⁷⁰ مراکز پولیس در شهرها و والسوالی ها در تشکیل خود واحد پاسخ-دهی به خشونت های فامیلی و مسئول حقوق بشر (Human Rights Focal point) را دارا می باشند. زنان قربانی اکثراً خودشان به این ادارات مستقیماً مراجعه می کنند، با آنکه همسایه ها و خویشاوندان قربانی نیز گاهی سوء رفتارها را گزارش می دهند. پولیس والسوالی، شکایاتی را که به قانون منع خشونت علیه زن ربط می گیرند، به واحد پاسخ دهی به خشونت های خانوادگی یا مسئولین حقوق بشر ولایتی راجع ساخته و یا بسته به نوع تخلف، میانجیگری را برای بعضی از قضایا فراهم می کند. افسر حقوق بشر مذکور قضیه را تحقیق کرده و دوسیه را یا به دفتر خانونالی ارجاع می کند یا از طریق میانجیگری به آن رسیدگی می نماید. مسئولین

⁶⁷. مصاحبه یوناما با دگرمن ذکیه رحمتی، مسئول واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در کابل، مورخ 3 اسد 1390.

⁶⁸. گفتگوی یوناما با الزابت کامرون، مشاور پولیس بین المللی و هماهنگ کننده داین کورپ، کابل، مورخ 4 سرطان 1390 (25 جولای 2011).

⁶⁹ اجماع اشتراک کنندگان در جلسه 30 سرطان 1390 (21 جولای 2011) در کابل مرکب از سازمان های که با وزارت امور داخله، داینکورپ، ماموریت پولیس اروپایی، سفارت امریکا، صندوق جمعیت بین المللی، اداره ملل متحد برای زنان و یونما کار می کنند.

⁷⁰. همان

حقوق بشر پولیس در کابل 234 قضیه را در ارتباط به خشونت علیه زنان در جریان سال 2010 (1389) ثبت نموده‌اند.⁷¹

پولیس ولایت هرات، که واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی نیز دارد، یک رکورد بلندی از پیگیری شکایات را دارا می‌باشد. این واحد 293 شکایت خشونت علیه زنان را در جریان تهیه گزارش ثبت کرده است که از آن جمله 67 قضیه توسط نمایندگان این واحد در شفاخانه سوختگی ولایت هرات ثبت گردیده است که این قضایا، که از ولایات مختلف آمده بودند، توسط مقامات به اشکال گوناگون تحت بررسی قرار گرفتند. از 226 قضایای باقی مانده، این واحد 73 قضیه را مستقیماً به خانونوالی و 31 قضیه را به بخش جنایی، 19 قضیه را به مقامات ولسوالی، 13 قضیه را به محکمه فامیلی، یک قضیه را به کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، 54 قضیه را میانجیگری فرستاده است و از 35 قضیه دیگر انصراف صورت گرفته است.⁷²

در ولایت شمالی سمنگان که بیشتر روستایی می‌باشد واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی پولیس بطور منظم شکایات را پیگیری نموده است. از مجموع 17 شکایت ثبت شده در سال 1389 واحد مذکور 10 قضیه (لت و کوب، اجبار به فحشا، خشونت خانوادگی و تجاوز جنسی) را به خانونوالی ارجاع و 7 قضیه را از طریق مشاوره و میانجیگری (منازعات فامیلی، دشنام و تحقیر و مزاحمت شاگردان مکتب نسوان) رسیدگی نموده است.⁷³

در ولایت شمالی تخار، پولیس 85 قضیه را ثبت نموده است اما شمار کمی از این قضایا به خانونوالی ارجاع داده شده است. یکی از این قضایا به ازدواج در آوردن به شکل "بد دادن" یک دختر به خانواده دیگری جهت جبران یک جنایت، می‌باشد. در ولسوالی ورساج، پولیس چندین نفر را در پیوند با یک ازدواج "بد" در سال 1389 گرفتار کرد؛ مردی بالای دختر 16 ساله تجاوز جنسی کرده بود، وقتی که دختر مذکور حامله شد، خانواده دختر ازدواج دختر خویش را با مرد متجاوز ترتیب دادند و در عین زمان آنها تقاضا کردند که خانواده متجاوز برای خانواده جانب مقابل یک دختر به "بد" بدهد. بالاخره توانستند که خواهر 9 ساله مرد متجاوز را به بد بگیرند. بنابر قرار گرفتاری صادره توسط خانونوالی، پولیس پدر و کاکای دختر مذکور را به خاطر ترتیب ازدواج "بد" گرفتار کرد و آنها را طبق ماده 25 قانون منع خشونت علیه زن متهم نمود. دفتر خانونوالی همچنان، قرار گرفتاری را علیه ملا امامی که نکاح

⁷¹ یوناما به تاریخ 2 سرطان 1390 (23 جون 2011) با یکی از مسئولین حقوق بشر پولیس ولایت کابل مصاحبه انجام داد.

⁷² بتاريخ 19 جوزا 1390 (9 جون 2011) یونما با واحد فامیلی پولیس ملی افغان ولایت هرات مصاحبه انجام داد.

⁷³ مصاحبه یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر با واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی پولیس، 22

سرطان 1390

را منعقد کرده بود، دو نفر شاهد و دو نفر میانجی‌ای که ازدواج بد را تسهیل کرده بودند، صادر کرد.^{۷۴}

ناکامی در انجام ثبت/تحقیقات قضایای خشونت علیه زنان

یکی از ولایاتی که قانون منع خشونت علیه زن در آنجا تا حد زیادی توسط پولیس نادیده گرفته می‌شود، ولایت قندهار می‌باشد که در آن پولیس اظهارات قربانیان و شهود را ثبت کرده ولی به ندرت در آن رابطه به پیگیری اقدام نموده است. بطور مثال:

به تاریخ 1389/12/22 (13 مارچ 2011) یک زن قضیه خودسوزی اجباری دخترش را به واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی گزارش داد. خانواده دختر، وی را در سن 25 سالگی در بدل سه لک افغانی که معادل (6600 دالر امریکایی) می‌شود به ازدواج درآورده بود. مادر دختر اظهار داشت که خانواده خسور دخترش او را به طور مداوم مورد سرزنش قرار داده و می‌گفتند که ^{۷۵} "خانواده تو پول زیادی از ما گرفته است حالا تو باید آنرا با کار کردن در خانه‌های مردم برای ما دوباره پردازی." سرانجام در فبروری 2011 بعد از ده سال از ازدواج، آنها برایش گفتند که ناگزیر است که با سه مرد مهمان که به ملاقات خانواده مذکور می‌آید عمل جنسی را انجام دهد. یک ماه بعد، زن مذکور در خانه خود، خود را آتش می‌زند. "وی همیشه می‌گفت که یکروز خود را آتش خواهد زد. من برایش می‌گفتم که "خواهش می‌کنم تحمل کن، این زندگی است و تو یکروز، آینده درخشانی خواهی داشت". مادرش گفت که پولیس شکایت مادر را ثبت کرد ولی هیچ کوششی برای تحقیق مسئله انجام نداد. خودسوزی اجباری یکی از چندین جنایتی است که قانون منع خشونت علیه زن دستور می‌دهد که توسط پولیس و خانونالی باید مورد پیگرد قرار گیرد حتی در مواردی که شکایت کننده هم وجود نداشته باشد.^{۷۶}

در جنوب شرق، پولیس در ولایات غزنی و پکتیکا از قانون منع خشونت علیه زن اطلاع نداشت.^{۷۷} پولیس پکتیکا اظهار داشت که آنها هیچ قضیه‌ای را در مدت زمان تهیه این گزارش

⁷⁴ در ماه ثور 1390 (جولای 2011) یادداشت جوایه معاون رئیس خانونالی تخار به یوناما.

⁷⁵ قسمیکه در بحث مربوط به پولیس برشمرده شد، یونما با بخش پولیس تحقیق جنایی کندهار مصاحبه انجام داد، 26 حوت 1389 (17 مارچ 2011).

⁷⁶ پیگیری جرایم تجاوز جنسی، فحشاء اجباری، انتشار شهرت قربانی، سوختاندن یا استفاده از مواد کیمیایی، خودسوزی اجباری، یا خودکشی به شکایت کننده نیاز ندارد، مطابق به ماده 39 (1).

⁷⁷ از اواسط 2011 تعلیم و تربیه اولیه پولیس فقط شامل چند ساعت آموزش در رابطه با حقوق بشر، جنسیت یا خشونت علیه زن می‌شد. اما یک نصاب تعلیمی جدید 96 ساعت را برای حقوق بشر اختصاص خواهد داد که 18 ساعت آن به چگونگی مدیریت قضایای خشونت علیه زن اختصاص خواهد داشت. یک کتاب رهنمای تعلیم و تربیه توسط صندوق

درج و تحقیق نکرده‌اند. افسر حقوق بشر در پولیس اظهار داشت که "قضایای خشونت علیه زن بصورت عموم، یا به دلیل ترس از مخالفین دولت یا محدودیت‌های فرهنگی گزارش داده نمی‌شود".^{۷۸}

در جنوب و جنوب شرق یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنان موارد فزاینده از قضایای خود کشی دختران و زنان مستأصل را ثبت نموده است که اکثر آنها توسط پولیس تحقیق نشده است در حالیکه قانون منع خشونت علیه زن در ماده 21 مجبور نمودن به خودکشی را جرم انگاری نموده است.^{۷۹}

مسئولین حقوق بشر در پولیس در ولایات مرکزی لوگر، پنجشیر، پروان و میدان وردک به یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفتند که زنان در ولایات شان هیچگاهی شکایت درج نمی‌کنند. شمار کمی از قضایایی که درج شده‌اند از ریاست امور زنان و زنان عضو شورای ولایتی دریافت شده است. پولیس در ولایت پروان اظهار داشت که بعد از تحقیقات، بیشترین قضایا از طریق میانجیگری در همکاری با ریاست امور زنان حل و فصل گردید، ولی با آن هم شش قضیه را به خارنوال ارجاع نموده است.^{۸۰}

کم بودن افسران پولیس زن

کمبود افسران پولیس زن، بویژه زنان باسواد، قربانیان زن را از مراجعه به دفتر واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی دلسرد نموده و باز می‌دارند. با آنکه در تشکیل پولیس (جدول استخدام کارمندان) 2700 پست به زنان اختصاص داده شده اما نیروی مذکور فقط 1195 عضو زن به شمول 195 افسر و 444 خورده ضابط دارد که 0.78 درصد تمام نیروی پولیس مجاز را برای سال 1390 (2011) که 151281 نفر میباشد، تشکیل می‌دهند.^{۸۱}

ستراتژی وزارت امور داخله، تشکیل یک نیروی (corps) پولیس زن متشکل از 5000 نفر را تا سال 2014 (1393) پیش بینی نموده است، اما رسیدن به این هدف موانع زیاد را در پیش رو دارد. مطابق به گفته‌های برید جنرال شفیقه، مسئول واحد جندر و حقوق بشر وزارت امور

جمعیت ملل متحد که به نام "اجراآت پولیس نسبت خشونت علیه زن در افغانستان" برای استفاده توسط وزارت امور داخله تصویب گردید.

⁷⁸ یوناما با شخص رابط حقوق بشر پولیس ملی پکتیکا مصاحبه انجام داد، 24 حمل 1390 (13 اپریل 2011).

⁷⁹ در مناطق جنوب شرق دفتر یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر حد اقل شش مورد واقعه خودسوزی و سه واقعه خود کشی را در بین ماهای ثورالی میزان 1390 ثبت نموده است. در مناطق جنوبی، تعداد فزاینده ای قضایای خود سوزی در جلسه سکوت عدالت وقانون مورخ 14 جوزای 1390، مطرح گردید که اشتراک کنندگان مسئولیت مقامات مربوطه را در این ارتباط مورد بحث قرار دادند و خواستار تحقیق و پیگیری عدلی این نوع قضایا به منظور جلوگیری از وقوع آن شدند.

⁸⁰ مصاحبه تلفونی یوناما با مسئول حقوق بشر در ولایت پروان مورخ 25 جوزا 1390 (15 جون 2011).

⁸¹ مصاحبه با جنرال شریفه رسولی، مسئول بخش آموزش وزارت امور داخله، 3 اسد 1390

داخله موانع استخدام و حفظ پولیس زن در تشکیل پولیس شامل سنت‌ها و عنعنات مخالف شمولیت زنان در صف پولیس، سواد کم، سنت ممانعت دختران از رفتن به مکاتب توسط طالبان، فقدان امنیت، نبود مراقبت از اطفال آنها، تهدید و ترس از انتقام گیری توسط عناصر ضد دولتی و عدم احترام از جانب بسیاری همکاران مرد می باشد.^{۸۲}

برعلاوه، یک قوماندان ساحوی با تقبیح آنچه را که وی "آزار و اذیت جنسی گسترده" موجود در پولیس می‌نامد، می‌گوید که مقامات در وزارت امور داخله هیچ اقدامی را در چندین قضیه‌ای که برای‌شان گزارش داده شد، روی دست نگرفتند. وی هشدار داد که اگر مشکل رسیدگی نشود تقریباً 210 افسر پولیس زن در صفحات شمال ممکن است عفا نمایند.^{۸۳}

مریان بین المللی دریافته‌اند که بسیاری از پولیس‌های زن وظایف حرفوی را اجرا نمی‌کنند، بلکه منیث آشپز، صفاکار و خدمتکار ایفای وظیفه می‌کنند. جنرال شریفه رسولی رئیس واحد تعلیم و تربیه پولیس ملی چالش‌های عمده را در استخدام پولیس زن سخت‌گیری‌های فرهنگی عرفی در قسمت حضور زن در ارگانهای اجرای قانون می‌داند.^{۸۴}

3.5- استفاده از میانجیگری و میکانیزم‌های سنتی حل و فصل منازعات در قضایای خشونت علیه زنان

یافته‌ها

بررسی یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان می‌دهد که اکثریت قضایای خشونت علیه زنان که به پولیس و یا خارنوالی‌ها گزارش شده‌اند، در عمل به بیرون از سیستم عدالت رسمی - از طریق میانجیگری، انصراف از شکایت و یا توسط بزرگان در میکانیزم‌های سنتی حل و فصل منازعات مورد رسیدگی قرار گرفته‌اند. حتی خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان نیز تنها تعداد کمی از قضایای ثبت شده در این اداره را مورد پیگرد عدلی قرار داده است.

یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر همچنین استفاده گسترده از میانجیگری برای رسیدگی به شکایت‌های خشونت خانوادگی توسط نهادهایی مانند ریاست امور زنان و کمیسیون مستقل حقوق بشر را نیز مشاهده نموده است. استفاده از میانجیگری در 17 مورد از

⁸². بیانیه ایراد شده در کنفرانس که راجع به سروی دیدگاه مردم در مورد پولیس دایر گردیده بود، هتل سرینا، 14 دلو 1389 (3 فبروری 2011) در گزارش واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی و قول اردو‌های پولیس زن

(women's police corps) توسط اداره بین المللی مبارزه با مواد مخدر و تنفیذ قانون، 16 جوزا 1390

⁸³. یوناما مصاحبه را با یکی از مسئولین جندر و حقوق بشر پولیس در صفحات شمال انجام داد، 22 سنبله 1390.

⁸⁴. جنرال شریفه رسولی رئیس تعلیم و تربیه در وزارت داخله، در جلسه 3 اسد 1390 (25 جولای 2011).

مجموع 22 فقره جرمی که قانون منع خشونت علیه زن پیش بینی نموده، در صورتی که فرد قربانی (مجنی علیه) بر پیگرد قانونی اصرار نداشته باشد، مجاز است.⁸⁵ به گونه مثال، از جمله 36 قضیه ای جرمی که بر اساس قانون منع خشونت علیه زن⁸⁶ در قوماندانی امنیه ولایت ننگرهار ثبت گردیده بود، در 12 قضیه مدعی از ادعای خویش صرف نظر نموده است، 12 مورد آن از طریق میانجیگری حل و فصل گردیده است؛⁸⁷ 2 مورد آن جهت تعقیب عدلی به خائنوالی معرفی گردید؛ یک قضیه جهت تحقیقات بیشتر به ریاست تحقیقات جنائی سپرده شد؛ یک قضیه به عنوان قضیه مدنی⁸⁸ به ریاست عدلیه محول گردید؛ 2 قضیه به ریاست امور زنان ارجاع شد؛ 4 قضیه به نقاط دیگر فرستاده شد و اجراءات در مورد 2 قضیه دیگر تا اکنون مشخص نمی باشد. از جمله دو قضیه تجاوز، یکی آن به خائنوالی و قضیه دوم به میانجیگری فرستاده شده است. از جمله 17 قضیه لت و کوب، 7 قضیه جهت میانجیگری فرستاده شده؛ مدعیان 5 قضیه از ادعاهای شان صرف نظر نموده؛ 2 قضیه به سایر ولسوالی فرستاده شده؛ یک قضیه به ریاست امور زنان محول گردیده و پیگیری 2 قضیه باقیمانده مشخص نمی باشد.⁸⁹

مدیریت تحقیقات جنائی پولیس ملی افغان در ولایت کنر 9 قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده که 3 قضیه آن را به ریاست امور زنان آن ولایت جهت میانجیگری فرستاده؛ 5 قضیه را به بزرگان قومی احاله نموده و فقط یک قضیه آن را به خائنوالی معرفی نموده اند.⁸⁹ در سراسر افغانستان، واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در پولیس افغانستان، اکثر قضایای دریافت شده را خود حل و فصل می کند. قضایای خشونت علیه زنان که در خارج از خانواده اتفاق می افتد توسط مدیریت تحقیقات جنائی بعضاً با سهمگیری واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی مورد رسیدگی قرار می گیرند. واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی در ولایت هرات به نسبت عدم میانجگری تعداد زیادی قضایای خشونت علیه زنان، متمایز می باشد. واحد مذکور در سال 1389 (2010

⁸⁵ به زیر نویس شماره 19 مراجعه کنید.

⁸⁶ پولیس در مجموع 60 قضیه خشونت علیه زنان را ثبت نموده که از جمله 36 قضیه آن مطابق قانون منع خشونت علیه زن جرم پنداشته شده است.

⁸⁷ بررسی یوناما در حوزه شمال شرقی از مارچ 2010 – سپتامبر 2011 میلادی نشان می دهد که قضایای مربوط به حقوق ملکیت و میراث زنان معمولاً به عنوان قضایای مدنی از طریق میانجیگری یا محکمه مدنی مورد رسیدگی قرار گرفته است در حالی که محرومیت از حق میراث و منع دسترسی به ملکیت مطابق قانون منع خشونت علیه زن جرم پنداشته می شود.

⁸⁸ بررسی وتحلیل قضایا توسط دفتر یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در ولایت ننگرهار، حمل 1389

الی میزان 1390

⁸⁹ بررسی وتحلیل قضایا توسط دفتر یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر در ولایت کنر، حمل 1389- میزان

1390

میلادی) 226 قضیه را ثبت نموده که از جمله 103 مورد آن را حل و فصل نموده؛ 73 مورد آن را به خارنوالی معرفی کرده؛ 31 قضیه را به مدیریت تحقیقات جنائی ولایتی فرستاده و 19 مورد آن را به مقامات سایر ولسوالی‌ها ارجاع نموده است. پولیس واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی در خوست 12 قضیه را دریافت نموده که از جمله 10 مورد آن را حل و فصل نموده است. واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی ولایت بامیان نیز 12 مورد قضیه خشونت‌های خانوادگی را ثبت نموده که 10 مورد آن را جهت حل و فصل به بزرگان قومی و 2 مورد آن را به خارنوالی فرستاده است.

مسئول واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی در کابل به یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر اظهار داشت که این واحد میانجیگری توسط بزرگان را نیز بعضاً می‌پذیرد. بعد از اینکه قربانی خشونت شکایت را درج می‌نماید، بعضی اوقات بزرگان به واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی مراجعه نموده و خواهان اجازه میانجیگری قضیه می‌شوند. در چنین قضایا، بزرگان تصامیم خود را تحریر داشته آن را امضاء یا مهر نموده و در اختیار واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی قرار می‌دهند. در صورتی که فیصله آنها در مغایرت با قانون قرار داشته باشد، واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی آن را ملغی قرار داده و به تحقیقات خود ادامه می‌دهد.⁹⁰

یوناما دریافت کرده است که خارنوالی‌هایی که شکایات را مستقیماً و یا از طریق پولیس دریافت می‌کنند، نیز قضایا را اکثراً به مراجع مختلف جهت میانجیگری فرستاده یا مدعی را تشویق می‌کنند تا از ادعای خویش صرف نظر نموده و مصالحه نماید. مقامات می‌گویند این کار را به منظور حفظ شیرازه خانواده انجام می‌دهد. این موضوع طی مصاحبه‌ای با معاون لوی خارنوالی در امور تحقیقات جنائی و رئیس خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در اداره لوی خارنوالی مورد تأیید قرار گرفت.⁹¹ یافته‌های یوناما/کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان می‌دهد که از جمله 594 قضیه که توسط خارنوالی‌های شهری ثبت گردیده، فقط 155 مورد آن به محاکم محول گردیده که این امر انعکاس دهنده تغیر مسیر و ارجاع تعداد زیادی از قضایا به پروسه میانجیگری و نیز انصراف مدعی از پیگیری، می‌باشد.

در حدود 70 فیصد قضایای دریافت شده توسط خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در لوی خارنوالی بعد از انصراف توسط شاکی، عدم موجودیت مدارک کافی یا غیبت

⁹⁰ مصاحبه یوناما /کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر با سمونمل ذکبه رحمتی، رئیس واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی به تاریخ 1390/05/03. یوناما هیچ نوع معلومات در مورد نظارت پولیس از رسیدگی قضایا توسط میکانیزم‌های غیر رسمی حل منازعات در افغانستان در دست ندارد.

⁹¹ مصاحبه یوناما /کمیشتری عالی ملل متحد برای حقوق بشر با آقای نور حبیب جلال، معاون لوی خارنوالی در امور تحقیقات جنائی و خانم قدسیه نیازی، رئیس خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان به تاریخ 1390/05/19 (10 آگست 2011 میلادی).

مدعی حفظ شده یا از جریان رسیدگی عدلی خارج شده است. رئیس این بخش به یوناما گفت زمانی که خارنوالان مربوطه جرایم ارتکاب یافته را بررسی می‌کنند، "آنها مشاهده می‌نمایند که اگر این جرایم جدی نبوده و تخلفات عادی می‌باشند؛ یا اگر ادعا به خاطر احساساتی شدن مدعی درج شده؛ و اگر برای مدعی ممکن باشد که دوباره به خانواده خود پیوسته و با شوهر خود در فضای صلح آمیز زندگی نماید، خارنوالان ما آنها را تشویق می‌کنند تا دوباره آشتی نموده و از شکایات‌شان صرف نظر نمایند. این امر به منظور حفظ شیرازه خانواده‌ها انجام می‌شود."⁹²

قوانین افغانستان و امکان میانجیگری در جرایم جدی

مطالعات متعدد نشان داده است که در افغانستان این یک امر معمول می‌باشد که به نهاد های بیرون از نظام عدالت رسمی جهت حل و فصل هم قضایای وهم قضایای جزایی مراجعه نمایند.⁹³ در واقع میزان ارجحیت حل منازعات در خارج از سیستم عدالت رسمی هنوز هم بسیار بالا است.

در حالیکه قانون مدنی افغانستان نقش میانجیگری را به رسمیت می‌شناسد هیچ تذکری از آن در قوانین جزائی این کشور به عمل نیامده است. اما قوانین مذکور در را برای یک همچون اجراءات باز گذاشته. یعنی قوانین مذکور به مدعی اجازه می‌دهد که از پیگیری قضیه صرف نظر کرده و آنرا متوقف سازد. به اساس قانون اجراءات جزائی موقت، خارنوال مکلف است تا "در صورت آگاهی یا دریافت گزارش از وقوع جرایم ... به تحریک دعوی جزائی جهت تعقیب تمام جرایم آغاز نماید، مگر اینکه قانون صراحتاً طور دیگری حکم نموده باشد."⁹⁴ از جمله 22 جرایم خشونت علیه زن تعریف شده در قانون منع خشونت علیه زن 17 مورد آن صرف زمانی مورد تعقیب عدلی قرار می‌گیرد که شکایت توسط قربانی یا وکیل وی درج گردد و تعقیب عدلی و مجازات مرتکبین این جرایم در صورت انصراف شاکی از شکایت اش متوقف می‌گردد. در تمام چنین جرایمی که در آن رضایت مجنی علیه باعث توقف دعوی می‌گردد، میانجیگری جانشین تعقیب عدلی شده می‌تواند.

92 مصاحبه یوناما با خانم قدسیه نیازی، رئیس خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در لوی خارنوالی به تاریخ 1390/06/29

(20 سپتامبر 2011 میلادی).

⁹³ به شمول "عدالت رسمی و غیر رسمی در پکتیا و ننگرهار": تحقیق توسط دفتر ارتباطات موسسه صلح ایالت متحده امریکا (USIP- TLO) فبروری 2011؛ "پروژه های حل منازعات برمحوریت جامعه در شهر کابل" (community based dispute resolution process in Kabul) رییکا گنگ (Rebecca Gang)، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مارچ 2011 میلادی؛ "حل غیر رسمی منازعات در افغانستان" انستیتیوت صلح ایالات متحده، امریکا آگست 2010 میلادی.

⁹⁴ قانون اجراءات جزائی موقت، ماده 22

اکثر این جرایم 17 گانه شدید هستند. دو مورد از این جرایم یعنی "خرید و فروش زن به منظور یا به بهانه ازدواج" (ماده 24) و "بد [دادن زن در بدل قتل یا سایر جرایم]" (ماده 25) جرایم شدید بوده و همانند "مجرور یا معلول ساختن" (ماده 22) - با در نظر داشت شدت آن- از جرایم جنایت است. سایر جرایمی که تعقیب عدلی آن بستگی به شکایت مدعی دارد عبارتند از: ازدواج اجباری؛ ممانعت از حق ازدواج؛ ازدواج بدون تکمیل سن قانونی؛ انزوای اجباری؛ اجبار به اعتیاد به مواد مخدر؛ نقض حق میراث؛ نقض منع حق تصرف در اموال؛ ممانعت از حق تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی؛ کار اجباری؛ تعدد زوجات در حالات خاص؛ نفی قرابت؛ آزار و اذیت؛ دشنام، توهین و ارباب؛ تهدید و شکنجه. از جمله جرایم بیست و دو گانه، صرف جرایم تجاوز جنسی، وادار کردن به فحشاء، پخش و نشر هویت قربانی، سوختاندن یا استفاده مواد کیمیاوی، خود سوزی یا خود کشی اجباری باید در هر نوع شرایط مورد تعقیب عدلی قرار گیرد⁹⁵. همانطوری در فوق ذکر گردید، سارنولان تمام این گونه قضایا را مورد تعقیب عدلی و قضایی قرار نداده است.

میانجگری قضایای خشونت علیه زنان توسط پولیس

میانجگری از طریق پولیس یا سایر ارگانها معمولاً با امضای تعهد نامه توسط طرفین یا مرتکب خشونت و شهادت دادن دو تن از بزرگان محل خانواده وی به پایان می‌رسد. با وجود آنکه فورمه ای معیاری (برای تعهد نامه) وجود ندارد، اساساً مرتکب خشونت توافق می‌نماید که از ارتکاب خشونت بیشتر خودداری نموده و می‌پذیرد که در صورت تکرار خشونت، احکام قانون به طور کامل بالای وی تطبیق گردد. به اساس گفته‌های رئیس خارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در لوی خارنوالی، هر گاه این نهاد قضیه را بدون تعقیب عدلی حل و فصل نماید یعنی انصراف صورت گیرد و در صورتی که مرتکب خشونت باسواد باشد، تعهد نامه‌ای را خود او نوشته و امضاء نموده و دو تن شهود نیز آن سند را امضاء می‌نمایند.

مسئول واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی وزارت داخله به یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر گفت که در تاکنون حدود 60 فیصد از میانجگری‌های این اداره با موفقیت انجام شده است⁹⁶. در سایر قضایا اگر خشونت دوباره اتفاق می‌افتد و قضیه بار دیگر به این نهاد مواصلت می‌کند، نهاد مذکور قضیه را به ریاست تحقیقات جنائی یا خارنوالی ارجاع

⁹⁵ مطابق ماده 39 قانون منع خشونت علیه زن

⁹⁶ مسئولین حقوق بشر در وزارت داخله افغانستان در کابل گفته است که 80 فیصد قضایای میانجگری با موفقیت همراه بوده و پولیس در حال حاضر با موسسات غیر دولتی (NGO) در تماس بوده تا قضایای میانجگری شده را پیگیری نموده و اطمینان حاصل نمایند که خشونت بار دیگر صورت نمی‌گیرد - 1390/06/24 (15 سپتامبر 2011).

می‌نماید. رئیس این واحد همچنان می‌پذیرد⁹⁷ که تمام زنانی که در معرض خشونت دوامدار قرار گرفته‌اند، بنا بر فشارهای خانوادگی و سایر عوامل به این واحد مراجعه نمی‌نمایند. نامبرده به یوناما ابراز داشت که واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی تلاش می‌ورزد تا با متضرر در تماس بوده، با وی ملاقات داشته، از طریق تلفون در ارتباط بوده و از همسایه‌های وی معلومات به دست آورد تا اطمینان حاصل گردد که میانجیگری منجر به قربانی شدن مجدد موصوف نگردیده باشد.

میانجیگری قضایای خشونت علیه زنان توسط ریاست امور زنان

میانجیگری منازعات خانوادگی و زناشویی به شمول بعضی از خشونت‌های فامیلی معمولاً توسط ریاست‌های امور زنان نیز به طور گسترده اجراء می‌گردد. به طور مثال ریاست امور زنان در ولایت کندز از جمله 176 قضیه 150 مورد آن را از طریق میانجیگری حل و فصل نموده و 26 مورد آن را به ارگان‌های عدلی و قضائی یا پولیس یا سایر نهادهای دولتی فرستاده است. ریاست امور زنان در ولایت غور 33 قضیه را دریافت نموده که از جمله 11 مورد آن را از مجرای میانجیگری حل و فصل نموده و 7 مورد آن را به بزرگان قوم ارجاع نموده است. میانجیگری‌های که در آن ریاست‌های امور زنان، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، یا واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی وزارت داخله اشتراک میکنند، بر خلاف اکثر جرگه‌ها و شوراها که اشتراک زنان در آن تقریباً به گونه کامل ممنوع می‌باشد، به زنان فرصت جستجوی راه حل‌ها را می‌دهند.⁹⁸

طبق گفته‌های کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در امور زنان، اکثر زنان مایل نیستند تا علیه شوهرشان به مراجع عدلی شکایت نمایند. آنها بیشتر میانجیگری را به امید حفظ وحدت خانوادشان و احتراز از مصارف تعقیب عدلی و تهدیدات که هنگام مراجعه به ارگانهای عدلی قضایی معروض به آن می‌باشد، ترجیح می‌دهند؛ با وجود آنکه می‌دانند بعضی گزینه‌های خوب دیگر را نیز در اختیار دارند.⁹⁹ مصارف هنگفت و موجودیت فساد اداری در نهادهای عدلی و قضائی نیز باعث می‌گردد تا از تعقیب عدلی پرهیز شود.

⁹⁷ مصاحبه یوناما با سمونمل ذکیه رحمتی، رئیس واحد پاسخ دهی به خشونت‌های فامیلی به تاریخ 1390/05/03 (25 جولای 2011 میلادی).

⁹⁸ "برخورد دو خوب: حل منازعات توسط دولت و نهاد های غیر دولتی در افغانستان" انستیتیوت صلح ایالات متحده، سال 2006 میلادی

⁹⁹ مصاحبه یوناما با داکتر ثریا صبحرنگ، کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در امور زنان، 1390/03/30 (20 جون 2011 میلادی)

نگرانی‌ها درباره ای اتکاء به میانجیگری در این گونه قضا یا

اتکای بیش از اندازه مقامات افغان به میانجیگری حتی بعضاً در جرایم شدید، در مغایرت با متن و مفاد قانون منع خشونت علیه زن که در صدد حمایت از قربانی خشونت، جلوگیری از وقوع خشونت‌های بیشتر و به عدالت کشیدن عاملین خشونت علیه زن می‌باشد، قرار دارد.^{۱۰۰}

اکثر کارشناسان امور خشونت‌های خانوادگی در سطح جهانی در مورد اتکای بیش از حد به پروسه میانجیگری هشدار می‌دهند. "میانجیگری در منازعات فامیلی یک ابزار نیرومند محسوب می‌گردد ولی پروسه میانجیگری در قضایای خشونت خانوادگی با توجه به موضوع مصونیت و عدم توازن شدید قوای طرفین معمولاً غیر عادلانه بوده و باید از آن احتراز صورت گیرد".^{۱۰۱} کارشناس دیگر می‌گوید: "میانجیگری در حالاتی که طرفین تقریباً در شرایط مشابه به سر برده و اساساً خواهان حل و فصل منازعه بوده و اراده ای گوش دادن به حرفهای یکدیگر را داشته باشند، عملی می‌باشد. زوج‌های خشن تمایل کمتر یا حتی هیچ تمایلی برای گوش دادن به یکدیگر یا رسیدن به توافق را ندارند. غلبه بر نابرابری در جدال کسب قدرت بسیار دشوار یا ناممکن می‌باشد حتی در موجودیت میانجی.^{۱۰۲}"

بعضی‌ها استدلال می‌نمایند که اتکاء به میانجیگری در قضایای خشونت‌های خانوادگی معیارهای جهانی عدم تبعیض را نقض می‌کند. مطابق به بهترین عملکردها، خشونت‌های خانوادگی همسان با سایر خشونت‌ها باید به گونه قانونی مورد رسیدگی قرار گیرد. اعلامیه محو خشونت علیه زنان ۱۳۷۲ (۱۹۹۳) از دولتها می‌خواهد تا "توجه ویژه‌ای را برای جلوگیری، تحقیق و مجازات قضایای خشونت علیه زنان در مطابقت با قوانین داخلی کشورها مبذول داشته خواه این اعمال خشونت آمیز توسط دولت ارتکاب یافته باشد و یا توسط افراد".^{۱۰۳}

همایش علمی که ملل متحد در سال ۲۰۰۸ میلادی تحت نام "عملکرد خوب در تقنین راجع به خشونت علیه زنان" دایر نموده بود، پیشنهاد می‌نماید که میانجیگری در قضایای خشونت

^{۱۰۰} به ماده ۲ قانون منع خشونت علیه زن مراجعه گردد.

^{۱۰۱} اس. گریس کر و پیتز جی. جاف، "نیاز به راهکارهای متمایز مسلکی در مورد قضایای حجز طفل، اختلاف نظر در قسمت یافته‌های خشونت خانوادگی و ابعاد حقوقی خشونت‌های خانوادگی و مسئله دست رسی به محلات سلب آزادی"، که در نوشته ای عملکرد خوب خوب برای وکالت از موکلین در قضایای خشونت‌های خانوادگی، وزارت عدلیه، کانادا از آن نقل شده است، <http://www.justice.gc.ca/eng/pi/fcy-fea/lib-bib/tool-util/topic-theme/viol2b.html>

^{۱۰۲} نوشته ای عملکرد خوب برای وکالت موکلین در قضایای خشونت خانوادگی، وزارت عدلیه، کانادا <http://www.justice.gc.ca/eng/pi/fcy-fea/lib-bib/tool-util/topic-theme/viol2b.html>

^{۱۰۳} ماده ۴ فقره (ج) اعلامیه محو خشونت علیه زنان، ۱۹۹۳.

علیه زنان ممنوع اعلان گردد. در گزارش این همایش آمده است که "میانجیگری در قوانین منع خشونت علیه زن در اکثر کشورها به عنوان بدیلی برای پروسه‌های عدالت جزائی انکشاف یافته است. اما، میانجیگری بر این پیش فرض مبتنی است که هر دو طرف قضیه به طور مساویانه در قضیه ای خشونت مقصر است و قدرت جدال مساوی دارند. میانجیگری، قضایای خشونت علیه زنان را از دوران رسیدگی قضایی و نظارت دقیق ارگانهای عدلی قضایی خارج و حساب دهی مرتکبین آنها کاهش میدهد. تعداد فزاینده ای کشورها میانجیگری در قضایای خشونت علیه زنان را ممنوع قرار داده است.^{۱۰۴}

بعضی از کشورها قوانینی را در سطوح کشور، ایالت و یا محل تصویب کرده اند، تاصلاحدید پولیس را در واکنش به حوادث عاجل خشونت‌های خانوادگی کاهش دهد. این قوانین شامل است بر: اوامر حمایت مدنی (که دستورات محدود کننده یا حفاظتی نیز نامیده می‌شود. در موارد که یک طرف قضیه به این دستورها تن نمیدهد به مجازات مدنی و یا جزائی مواجه شده و ممکن است که به جبران خسارات مجبور شود و یا محدودیت‌های بیشتر بر وی وضع شود)، پالیسی‌های بازداشت اجباری و پالیسی‌های تعقیب عدلی اجباری. قوانین مربوط به گرفتاری اجباری، پولیس را ملزم میسازد تا درمواقع که یک فرد مرتکب جرم خشونت خانوادگی شده و یا دستور مربوط به حمایت مدنی را نقض کرده، وی را گرفتار نماید. پالیسی‌های تعقیب عدلی اجباری، تعقیب عدلی را حتی در موارد که قربانی از شکایت خود صرفنظر می‌کند، نیز ممکن می‌سازد.^{۱۰۵}

این یک امر حیاتی میباشد که مقامات قضایای شدید خشونت علیه زنان را مورد پیگرد عدلی و قضایی قرار داده و مرتکبین آنها بازداشت نماید. در عین زمان بحث راجع به تدوین یک رهنمود جامع درباره میانجیگری آغاز گردد. این رهنمود بتواند توسط خاارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان، ریاست های حقوق وزارت عدلیه، و واحدهای پاسخ دهی به خشونت های فامیلی مورد استفاده قرار گیرد تا قربانیان خشونت به طور کامل محافظت گردد.^{۱۰۶}

¹⁰⁴ در "خشونتهای فامیلی، قانونگذاری و تطبیق آن" چاپ اول 2009، یونیفیم، چاپ دوم و اصلاح شده در سال 2011، اداره ملل متحد برای زنان (UN-Women) ذکر شده است. (یونیفیم به این نام تغییر یافت). نوشته مذکور در سایت ذیل موجود میباشد

http://www.un.org/womenwatch/daw/egm/vaw_legislation_2008legislation_2008.htm

UNIFEM

¹⁰⁵ برای معلومات بیشتر به "قانونگذاری راجع به خشونت علیه زنان..."، قبلی، و چهار چوب کاری ملل متحد برای مودل

قوانین مربوط به خشونت فامیلی مراجعه کنید (E/CN.4/1996/53/ADD.2)

¹⁰⁶ این دیدگاه توسط سازمان بین المللی انکشاف حقوقی در اکتبر 2011 مطرح گردید.

میکانیزم های عرفی حل و فصل منازعات

میکانیزم های عرفی به صورت موازی با نهادهای عدلی و قضائی در سراسر افغانستان وجود داشته و انواع مختلفی از قضایا را مورد رسیدگی قرار می دهد. بزرگان و متنفذین که تشکیل دهنده این میکانیزمها هستند بیش از آنکه در جهت حمایت از حقوق افراد و تطبیق قانون کوشش کنند، در کل آنها تلاش میکنند تا ساختار فامیلی و قبیله ای را به منظور جلوگیری از بروز برخوردهای قومی و قبیله ای و سایر اشکال برخورد ها حفاظت کنند.^{۱۰۷}

مطالعه اخیر در مورد پروسه حل و فصل منازعات در کابل نشان می دهد که "موجودیت فساد گسترده" عامل تاثیر گذار بر انتخاب میکانیزم رسمی یا میکانیزم عرفی حل منازعات به شمار می رود. "دسترسی طرفین منازعه به منابع متعدد برای پرداخت رشوه و وداشتهن روابط با مدیران رده دوم ولی مقتدر در دفاتر ولسوالی ها" نیز در انتخاب میکانیزم غیر رسمی کمک میکند. این مطالعه چنین دریافته است که که توسل به سیستم عدالت رسمی متأثر از عوامل "نزدیکی به و آگاهی از مراکز ارائه خدمات گوناگون دولتی؛ بلند بودن سطح باور به فرهنگ مسئول دانستن دولت برای حل و فصل منازعات؛ ترکیب نامتجانس اقشار مختلف مردم؛ و نمونه هایی از تغییرات اجتماعی برخاسته از جابجائی و شهر نشینی به ویژه در خصوص رعایت حقوق زن"^{۱۰۸} می باشد. "رئیس ریاست امور زنان ولایت تخار به یوناما اظهار داشت که وی ترجیح می دهد تا قضایای خشونت و منازعه خانوادگی را به جرگه های محلی ارجاع نماید چرا که راه حل های به دست آمده از طریق میانجیگری نسبت به فیصله های محاکم برای طرفین بیشتر قابل قبول می باشد. همچنان وی افزود "اگر من قضایا را به نهادهای تنفیذ قانون ارجاع نمایم، سال ها طول خواهد کشید تا به آن قضایا رسیدگی صورت گیرد."

یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر یک قضیه خشونت جدی را در ولایت دایکندی^{۱۰۹} مستند سازی نموده که مقامات برای دریافت راه حل به بزرگان محل ارجاع نموده اند. قضیه مربوط به مردی است که به تاریخ 1389/08/30 (20 نومبر 2010 میلادی) زن برادر خود را با چند ضربه چاقو مجروح ساخته بود. وی از این حمله جان به سلامت برد و در شفاخانه بستری شد و پولیس مرتکب این عمل را دستگیر نمود. ، چند روز بعد مقامات به یوناما گفتند که قضیه از طریق میکانیزم عدالت غیر رسمی و به کمک بزرگان محل، حل و

¹⁰⁷ در بین سایر مطالعات مراجعه شود به "عدالت رسمی و غیر رسمی در ولایت پکتیا و ننگرهار تحقیق توسط TLO" فیروزی 2011 و عدالت غیر رسمی در افغانستان انستوت مطالعات صلح ایالات متحده امریکا اگست 2010

¹⁰⁸ "پروسه های حل منازعات بر محوریت جامعه در شهر کابل"، ریبیکا گنگ، واحد تحقیق و ارزیابی افغانستان، مارچ 2011 میلادی.

¹⁰⁹ خانونالی ولایت دایکندی 17 قضیه خشونت علیه زن را ثبت نموده که از آن جمله تنها یک قضیه را براساس قانون منع خشونت علیه زن به محکمه ارجاع نموده و محکمه در این ولایت هیچ قضیه براساس قانون مذکور رسیدگی نکرده است.

فصل شد. یگانه تعهدی که از مرتکب این عمل گرفته شد این بود که نامبرده در آینده هیچ نوع آسیب به همسر برادر خود نخواهد رسانید و مزاحم او نمی شود. خانونالی هیچ نوع مسئولیتی را در این زمینه به عهده نگرفته و پولیس را در ارجاع قضیه به بزرگان محل مقصر دانست.^{۱۱۰}

4. کمیسیون های منع خشونت علیه زنان

4.1- کمیسیون عالی منع خشونت علیه زنان

برای رهبری مساعی جهت خاتمه دادن به خشونت علیه زنان، قانون منع خشونت علیه زن کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن را ایجاد نموده است. این کمیسیون تحت رهبری وزارت امور زنان باید در بین موسسات دولتی و غیر دولتی هماهنگی لازم را بوجود آورد تا "بصورت موثر با خشونت علیه زنان مبارزه بعمل آید". اعضای آن، معاون لوی خانونال، معینان وزارت-های امور داخله، عدلیه، صحت عامه، اطلاعات و فرهنگ، تعلیم و تربیه، تحصیلات عالی، کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین، حج و اوقاف، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، رئیس محکمه فامیلی کابل و رئیس انجمن وکلای مدافع می باشند.^{۱۱۱}

یوناما/کمیشنری عالی ملل متحد برای حقوق بشر از ایجاد کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و تصمیم آن در ماه جون 2010 (سنبله 1389) برای ایجاد کمیسیون های مشابه در هر ولایت استقبال می کند. کمیسیون ساختار امیدوار کننده ای را برای ارتقای تمام جوانب قانون منع خشونت علیه زن، هم در اقدامات جنایی و حمایتی و هم اقدامات محافظتی ارائه می دارد. با هم این کمیسیون جهت انجام ماموریت پرچالش اش به حمایت های بیشتر ضرورت دارد.^{۱۱۲} کمیسیون عالی تحت ریاست وزیر امور زنان منظمأ جلسات خود را دایر می نماید. اکثریت اعضای آن معمولاً حضور دارند، لیکن نهادهای مدنی، غیر از انجمن وکلای مدافع، در آن سهم ندارند. اعضای فعال گزارش می دهند و تلویزیون ملی اغلباً کلیپ های کوتاهی از جلسات کمیسیون را منتشر می کند. کمیسیون برای پیگیری قضایا بعضاً سفارشات را پیشنهاد می کند اما

¹¹⁰ مصاحبه های یوناما با خانونال و قوماندان امنیه ولسوالی سنگ تخت بندر، مورخ 1389/09/02

¹¹¹ ماده 15 قانون منع خشونت علیه زن

¹¹² قانون منع خشونت علیه زن ماده 16 وظایف کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن توضیح می دهد که موارد ذیل شامل آمیباش: تحقیق در مورد قضایای خشونت علیه زن و به عهده گرفتن اقدامات پیشگیرانه؛ طرح برنامه آگاهی راجع به خشونت علیه زنان، هماهنگ سازی فعالیت های دولتی و غیر دولتی برای مبارزه با خشونت علیه زنان؛ جمع آوری آمار از پولیس، سارنوالی و محاکم در مورد قضایای خشونت علیه زن و اتخاذ طرز العمل ها به منظور بهبود تطبیق قانون منع خشونت علیه زن.

عضای کمیسیون مسئولیتش را درست ایفا نمی‌کند، کمیسیون نیز آنها را مورد حسابدهی قرار نمی‌دهد و از آنها سوال نمی‌کند. بر علاوه برای پیگیری توصیه‌ها هم هیچ اقدام عملی صورت نمی‌گیرد.^{۱۱۳}

2.4- کمیسیون‌های ولایتی

کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زن تصویر متنوعی را ارائه می‌دارد. در یوناما دریافت که کمیسیون متذکره در 28 ولایت افغانستان تأسیس گردیده^{۱۱۴}، اما تنها 16 کمیسیون جلسات منظم می‌داشته باشد. وزارت امور زنان تنها تعداد معدودی از این کمیسیون‌ها را به عنوان کمیسیون‌های فعال به رسمیت می‌شناسد. وزارت امور زنان آن کمیسیون‌هایی را که مطابق رهنمود اخیر کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن مبنی بر عهده‌دار شدن ریاست کمیسیون توسط مقام ولایت و ایفای وظیفه دارالانشاء کمیسیون توسط ریاست امور زنان اجراآت می‌نماید بحیث کمیسیون‌های فعال به رسمیت می‌شناسد. سایر کمیسیون‌ها توسط ریاست امور زنان مطابق رهنمود اول یا مکتوب که ابتداء توسط دارالانشای کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن صادر گردیده بود، رهبری می‌شوند.

کمیسیون‌های ولایتی در عملکرد خود تا حد زیادی متفاوت هستند. بعضی فقط یک جلسه تدویر کرده‌اند در حالیکه سائرین روی لایحه وظایف خود هنوز بحث دارند. با نداشتن بودجه یا کارمندان مستقل، کمیسیون‌های متذکره کاملاً به سهمگیری اعضایشان جهت اجرای فعالیت‌های خویش وابسته می‌باشند. اعضای دولتی غالباً آگاهی کامل از قانون منع خشونت علیه زن ندارند و بعضی از آنها با بعضی از مواد آن مخالفت می‌نمایند. در بعضی ولایات والی‌ها زیاد فعال نیستند و ریاست امور زنان بی هم تجربه و ظرفیت کافی ندارند. رهنمود یا مکتوبی که ریاست کمیسیون ولایتی منع خشونت علیه زن را از ریاست امور زنان به والی‌ها منتقل می‌سازد در بعضی ولایات منجر به بروز ابهامات گردیده است. طور مثال در ولایت بلخ جلسات کمیسیون به این دلیل متوقف شد که اعضای آن منتظر وضاحت بیشتر از کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن هستند. از جانب دیگر در ولایت فاریاب ریاست امور زنان از تفویض ریاست کمیسیون به مقام ولایت به دلیل امیدواری به بهتر شدن کارایی و بهبود وضعیت کمیسیون ولایتی، استقبال نمودند.

^{۱۱۳} مصاحبه یوناما با داکتر ثریا صبحرنگ، کمیشنر کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در امور زنان، 30 جوزا 1390.

^{۱۱۴} شش ولایتی که هیچ کمیسیونی در آنجا تأسیس نشده کابل، نورستان، هلمند، کندهار، زابل و پکتیکا می‌باشد. راجع به میدان وردک و نورستان معلومات کافی در دست رس نیست

در بسیاری از کمیسیون‌های ولایتی اعضای آن قضایای انفرادی خشونت علیه زنان را رسیدگی می‌نمایند و همین‌طور به قربانیان خشونت علیه زنان مساعدت می‌کنند تا به خدمات تامین مصونیت دست یابد و برای اتخاذ اقدامات قضایی علیه مرتکبین خشونت علیه زنان دادخواهی می‌کنند یا میانجیگری‌ها را سازمان می‌دهند. همچنان، آنها به اعضای خود مساعدت فراهم می‌نمایند تا فعالیت‌های آگاهی‌دهی انجام دهد. بعضاً سفارشات را به کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن برای چگونگی اصلاح قانون منع خشونت علیه زن ارسال داشته‌اند. عناصر اساسی در موفق بودن این کمیسیون‌ها معمولاً فعال بودن رئیس امور زنان و سهم‌گیری فعال نهادهای مدنی مجرب در فعالیت‌ها می‌باشد. این عناصر می‌تواند کمیسیون را قادر سازد تا در شرایط نهایت دشوار هم تغییر وارد نماید.

در ذیل نمونه‌ای از اجراات چندین کمیسیون که مبین اجراات خوب می‌باشد و ممکن برای سائر کمیسیون‌ها و حامیان مبارزه با خشونت علیه زن سودمند باشد ذکر می‌گردد:

نیمروز، حوزه جنوبی

- در نوامبر 2009 (میزان 1388) کمیسیون ولایتی منع خشونت علیه زن در ولایت نیمروز تاسیس گردید. کمیسیون متذکره منظمأً تحت رهبری ریاست امور زنان با حمایت والی، با اشتراک 12 عضو رسمی و اشتراک نمایندگی‌های ملل متحد و چندین موسسه دولتی و غیر دولتی دیگر به طور غیر رسمی جلسات دایر می‌کند. کمیسیون از متن "شبکه عمل محافظت از زنان" که قبلاً وجود داشته و در رابطه به قضایا کار می‌کرد، بوجود آمد. این نهاد منجیث یک شبکه‌ای از ادارات دولتی و سازمان‌هایی که برای حقوق زنان و محافظت از آنها تلاش می‌نماید، کار می‌کند. با وجود چنین کمیسیون قوی، ترس از بدنامی ارجاع قضایای خشونت علیه زنان را به محاکم مانع می‌شود. خارنوالی و محاکم تا حال قانون منع خشونت علیه زن را در عمل مورد استفاد قرار نداده‌اند.
- زمانیکه عضوی از کمیسیون، قضیه از خشونت علیه زن را دریافت می‌دارد، آنرا به کمیسیون ارجاع می‌دهد و کمیته فرعی آنرا با پولیس، خارنوالی و محکمه و بعضی اوقات با خانواده‌های قربانی و مرتکبین پیگیری می‌نماید.

بدخشان، حوزه شمال شرق

- به تاریخ 8 می 2010 کمیسیون ولایتی منع خشونت علیه زن در بدخشان تاسیس گردید که در حال حاضر توسط مقام ولایت ریاست می‌گردد و به طور ماهوار جلسات خویش را دایر می‌نماید. ریاست امور زنان نقش رهبری کننده را در بسیج و

سازماندهی فعالیت‌ها بازی می‌نماید. این کمیسیون، مطالعات و ارزیابی‌هایی را راجع به خشونت علیه زنان راه اندازی کرده، معلوماتی در مورد قضایای انفرادی را از پولیس و خائنوالی جمع‌آوری، برنامه‌های آگاهی‌دهی عامه را برای جلوگیری از خشونت علیه زنان برگزار، آمار خشونت علیه زنان را جمع‌آوری نموده و پیشنهاداتی را جهت اصلاح قانون منع خشونت علیه زن به کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن نیز ارائه نموده است.

با موسسات ملی و بین‌المللی که برای محو خشونت علیه زنان کار می‌کند و با آنکه آنها در جلسات هم‌حاضر نمی‌باشد، هماهنگی می‌کند. دفاتر دولتی را در مورد تطبیق قانون منع خشونت علیه زن، مشوره می‌دهد.

بامیان، حوزه مرکزی

- کمیسیون ولایتی محو خشونت در بامیان در تاریخ 4 اسد 1389 (26 جولای 2010) تأسیس شد و در جریان ماه‌های اول توسط کمیسیون مستقل حقوق بشر فعالانه رهبری می‌گردید و سپس تحت ریاست تنها والی زن افغانستان در سال 2011 (1390) تقویت گردید. جهت بازنگری قانون منع خشونت علیه زن، کمیسیون کمیته‌ای را تشکیل دادند که بر اساس کار این کمیته، کمیسیون متذکره مکتوبی را به کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن همراه با سفارشات راجع به اصلاح و تعدیل مواد 33 و 39 قانون منع خشونت علیه زن ارسال نمود. سیمینارهایی را برای دفاتر دولتی و جامعه مدنی، با حمایت مالی دفتر والی به هدف ارتقای ظرفیت راه اندازی نموده است. تقریباً 150 نفر از علما، روحانیون، روشنفکران و سران قومی بتاريخ 4 عقرب 1390 (26 اکتوبر 2010) در جلسه نخستین آن که در مورد حقوق زن از دیدگاه اسلام راه اندازی شده بود، اشتراک نمودند.
- هیئت بلند رتبه‌ای (بشمول رئیس خائنوالی، پولیس، نمایندگان شورای ولایتی) را برای تحقیق یک قضیه قتل ناموسی به یکی از والسوالی‌های آن ولایت گسیل داشت. بطور منظم از شورای ولایتی، دانشگاه بامیان، شبکه حقوق بشر و جامعه مدنی، مسئول خانه امن و همکاران بین‌المللی برای اشتراک در جلسات، دعوت می‌نماید.

فاریاب، حوزه شمال

کمیسیون ولایتی که در فاریاب در ماه جون سال 2010 ایجاد گردیده، در جریان سال 1389 (مارچ 2010 الی مارچ 2011) جمعاً 9 نشست را دایر نموده است. در طول سال آنان به 35 قضیه رسیدگی نموده که بخش زیادی از این قضایا را از طریق میانجگری حل و متباقی آنرا به مراجع قضایی ارجاع نموده است.

فعالیت‌های آگاهی‌دهی توسط اعضای آن کمیسیون بشمول ریاست‌های حج و اوقاف راه اندازی و حمایت گردیده و به مساجد وظیفه داده شده بود که در خطبه‌های روز جمعه در مورد حقوق زنان و مردان در دین اسلام صحبت نمایند. نیز به ریاست‌های معارف هدایت داده شده تا در مورد ازدواج‌های قبل از وقت و حق تحصیل دختران نیز صحبت نمایند.

5. نتیجه گیری

یوناما/دفتر کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر تعهدات دولت افغانستان را در قبال محو خشونت علیه زنان که در وضع قانون منع خشونت علیه زن، تلاش برای تطبیق آن و تأسیس کمیسیون‌ها برای منع خشونت علیه زنان توسط دولت، تبارز نموده؛ می‌ستاید. یافته‌های گزارش یوناما/کمیشنی عالی ملل متحد برای حقوق بشر نشان می‌دهد که با وجود اندک بودن فیصدی رسیدگی قضایای خشونت علیه زنان بر اساس قانون منع خشونت علیه زن، دسترسی زنان به عدالت به خاطر استفاده روز افزون ارگانه‌های عدلی و قضایی از قانون مذکور، رو به افزایش است؛ و به دلیل آگاهی فزاینده از موجودیت قانون منع خشونت علیه زن و ارائه کمک توسط واحد پاسخ‌دهی به خشونت‌های فامیلی، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و خانه‌های امن؛ زنان تشویق شده‌اند که برای دریافت کمک‌ها و حمایت‌ها قدم جلو گذاشته و درخواست مساعدت نمایند.

ضرورت ایجاد خانه‌های امن در همه مناطق افغانستان کماکان شدید است. افزایش تعقیب عدلی موفقانه مرتکبین خشونت علیه زنان بر اساس قانون منع خشونت علیه زن، قسماً وابسته به توانایی زنان قربانی برای دست رسی به مراکز امن موقت و حمایت‌های حقوقی می‌باشد. در بعضی از مناطق این خانه‌های امن وجود ندارد.

تنفیذ اولین مقررہ مراکز حمایتی برای زنان، که به تاریخ 5 سپتمبر 2011 (14 سنبله 1390) توسط شوران وزیران تصویب شد، می‌تواند ایجاد خانه‌های امن جدید را در مناطقی که ضرورت می‌باشد تشویق و خانه‌های امن موجوده را از طریق نظارت موثر دولت تقویت نماید. در شماری از ولایات، کمیسیون‌های ولایتی منع خشونت علیه زن با وجود ضرورت بیشتر به حمایت‌های به مراتب بیشتر، وظایف‌شان را آغاز نموده است تا هماهنگی میان نهادهای دولتی و غیر دولتی را به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان بوجود آورد. در سایر نقاط کشور این کمیسیون‌ها یا غیر فعال هستند و یا در حالت ایجاد شدن می‌باشند.

یوناما/دفتر کمیشنی عالی متحد برای حقوق بشر امیدوار است تا این گزارش که مبتنی بر پشرفتهایی در جهت محو خشونت علیه زنان میباشد، برای دولت افغانستان ممد واقع شود. این گزارش توصیه‌های ذیل را به حکومت افغانستان، تمویل کنندگان بین المللی و افغان‌ها ارایه می‌دارد تا آنها بتوانند تطبیق هر چه بیشتر قانون منع خشونت علیه زن را توسعه بخشیده و زنان را در برابر انواع خشونت حمایت نمایند.

6. پیشنهادات

به وزارت امور زنان و کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن

- برای کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، بشمول اعضای تشکیل دهنده آنان رهنمود و لایحه کاری را طرح نموده و طرز العمل های را تدوین نماید تا بوسیله آن بتوانند قضایای خشونت علیه زنان را ثبت و پیگیری کنند.
- کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زنان را یاری رسانند تا آنان پلان کاری شان را ترتیب کرده و مهارت های لازم را برای اجرای مسولیت های شان کسب نمایند.
- از جامعه مدنی بشمول نمایندگان نهاد های غیر دولتی فعال در عرصه ای حقوق زنان، مسئولین خانه های امن و همکاران بین المللی دعوت نماید تا آنها در نشست های کمیسیون عالی بطور ناظر به منظور ارائه گزارش راجع به موضوعات مشخص و حمایت فعالانه از کارهای کمیسیون، اشتراک نمایند.
- اطمینان حاصل نماید که کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن دارای یک دارالانشای فعال بوده تا کمیسیون قادر گردد که بگونه موثری تضامیم و نکات عمل را پیگیری نماید.
- یک کمیته فرعی رامختص به تضمین این امر که قربانیان خشونت علیه زن از طریق دریافت خدمات، محافظت و مساعدت های حقوقی حمایت میگردد، بر اساس حکم ماده 16 قانون منع خشونت علیه زن، ایجاد نماید.
- گفتگو پیرامون تدوین یک رهنمود درباره بکارگیری میانجیگری را که بتواند مورد استفاده سارنوالی اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان و ریاست های حقوق قرار گیرد، راه اندازی نماید.

به حکومت افغانستان

- به والیان هدایت صادر نماید و آنان را متوجه مسؤلیت های شان در قبال به عهده گرفتن مسؤلیت رهبری کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، بسازد چنانچه این امر در رهنمود کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تصریح گردیده است.
- اطمینان حاصل نماید که تمام اعمال خشونت علیه زنان که در قانون منع خشونت علیه زن جرم انگاری شده خصوصا قضایای شدید، در یک زمان مناسب مورد تحقیق و تعقیب عدلی قرار گیرند.

به وزارت عدلیه

- همراه با کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و مرکز ملی آموزش حقوقی، برای کارمندان ارگانهای عدلی و قضایی دوره های آموزشی را در مورد قانون منع خشونت علیه زن برگزار نماید. قضات و خارنوالان را که این قانون را موفقانه تطبیق کرده اند در آموزش دیگران دخیل سازند.
- اطمینان حاصل نماید که هر قانونی که رابطه میان سیستم عدالت رسمی و میکانیزم های عرفی برای حل منازعه (جرگه ها و یا شورا ها) را تعریف و تعیین می کند، مطابقت این میکانیزمها را با قوانین داخلی بشمول قانون منع خشونت علیه زن بهبود بخشیده و آنها را از رسیدگی به جرایم خشونت بار و شدید منع بدارد.

به ستره محکمه

- برای محاکم در مورد احکام قانون منع خشونت علیه زن هدایات و توضیحات لازم را بشمول تطبیق حتمی آن در ارتباط با سایر قوانین افغانستان صادر نماید.
- به دیوان جزا عمومی و ریاست تفتیش هدایت دهد تا تطبیق درست قانون منع خشونت علیه زن در مورد قضایای خشونت علیه زنان توسط محاکم را نظارت کنند.
- اطمینان حاصل نماید که تمام قضات آموزشهایی را راجع به قانون منع خشونت علیه زن دریافت میکنند و این آموزشهایک بخش الزامی برنامه های آموزشی باشد.
- در سرتاسر کشور در چوکات محاکم فامیلی و یا محاکم شهری، ایجاد دیوان های اختصاصی رسیدگی برای جرایم خشونت علیه زنان را در نظر بگیرد. قضات موظف در این دیوان ها مهارت های مقتضی را انکشاف داده و دیوان جزایی عمومی را در رسیدگی به انبوه از دعاوی تعداد کثیر از مراجعین یاری میرساند. 115

به لوی خارنوالی

- به تمام خارنوالان هدایت داده و روشن سازد که کدام نوع قضایا باید تعقیب جزایی گردد و کدام موارد را میتوان به میانجگری راجع کرد. اطمینان حاصل نماید که تمام جرایم شدید خشونت علیه زنان مورد پیگرد قانونی قرار گیرد.

¹¹⁵ فقره 2 ماده 50 قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان مصوب 1384 ملاحظه گردد. ".....ستره محکمه می تواند عند الضرورت دیوان های دیگری را در چوکات محاکم ابتدائیه مراکز ولایات بعد از منظوری رئیس جمهور ایجاد نماید"

- به خارنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان در کابل تفویض صلاحیت نماید تا تمام قضایای خشونت علیه زن را که به استرته محکمه ارجاع می‌گردد، نظارت و پیگیری نماید. این تفویض صلاحیت میتواند در تشکیل سال 1391 (2012) لحاظ گردد.
- خارنوالی اختصاصی مبارزه باخشونت علیه زنان در کابل را ارزیابی نماید تا معلوم گردد که چرا از مجموع دوسیه های ثبت شده تعداد اندکی آن مورد پیگرد قانونی قرار گرفته و چطور می توان کار های این اداره را بهبود بخشید.
- اطمینان حاصل نماید که ریاست خارنوالی جزای عمومی و سایر ریاست های مربوطه لوی خارنوالی از نحوه تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط خارنوالی ها، نظارت به عمل می آورد.
- به ایجاد و حمایت از کمیسیون ها و یا واحد های که مختص برای تعقیب عدلی موارد خشونت علیه زنان می باشد در دفاتر خارنوالی ولایتی، ادامه دهد.

به وزارت امور داخله

- معرفی قانون منع خشونت علیه زن و تطبیق آن باید بحیث بخشی از آموزش های ابتدایی برای پولیس ملی شامل مواد آموزش گردد
- برای ریاست عمومی تحقیقات جنایی پولیس، بشمول واحد حل منازعات فامیلی، رهنمود های را آماده سازد که در آن انواع تخلف های که باید تحقیق و تعقیب عدلی گردد و آن مواردیکه میتواند توسط پولیس به میانجگری محول شود واضح و روشن سازد، و اطمینان حاصل کند که قضیه های که توسط پولیس به میانجگری محول شده و یا توسط خود این واحد میانجگری می‌گردد، بشکل درست ثبت و بطور رسمی مستند ساخته شود.
- برای تمام کارکنان پولیس که در واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی ایفای وظیفه می کنند آموزش های خاصی را در مورد قانون منع خشونت علیه زن دایر نماید.
- اطمینان حاصل نماید که تمام زنانیکه برای دریافت کمک به پولیس مراجعه میکنند، بتواند به طور بلا واسطه وفوری با واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی مشوره کنند.
- اطمینان حاصل نماید که واحد پاسخ دهی به خشونت های فامیلی بخشی از ریاست عمومی تحقیقات جنایی بوده و کارکنان این بخش از مزایای آموزش ها در مورد شیوه های تحقیق و تفتیش مستفید گردد و همچنان قادر باشند که بطور کامل در تحقیق جنایت های که در آن خشونت های فامیلی، تجاوز جنسی و یا سایر انواع خشونت علیه زنان شامل است، سهم بگیرند.
- اطمینان حاصل نماید که کارکنان پولیس زن به وظایف مسلکی توظیف گردیده و به آنان نیز فرصت مساوی ارتقاء و ترفیع داده شود.

- یک تعهد نامه معیاری را انکشاف دهد تا در تمام قضیه های خشونت علیه زنان که توسط میانجگری حل میگردد، مورد استفاده قرار بگیرد. در این تعهد نامه باید نوع تخلف، تصمیم گرفته شده، امضای مرتکب و قربانی (با ذکر آدرس و شماره های تلفون شان) و همچنان شاهدان و یک نماینده دولتی درج باشد.

به وزارت مالیه

- برای وزارت های امور زنان، حج و اوقاف، عدلیه، صحت عامه، فرهنگ و اطلاعات، معارف و تحصیلات عالی منابع و حمایت کافی را آماده سازد تا آنان بتوانند مطابق قانون منع خشونت علیه زن مسولیت های شانرا ایفاء نمایند.
- اطمینان حاصل کند که کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن و کمیسیون های ولایتی آن که مطابق قانون منع خشونت علیه زن مامور گردیده اند، بطور کافی تمویل می شوند.

به تمویل کنندگان بین المللی:

- برنامه مساعدت تخنیکي برای کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن راطرح نمایند.
- در حمایت های شان از ابتکارات دولتی به منظور تطبیق قانون منع خشونت علیه زن بشمول کمپاین های آگاهی عامه در سراسر کشور و همچنان مساعدت و آموزش کمیسیون های ولایتی منع خشونت علیه زن، افزایش به عمل آورد.
- از تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان (1387-1397) به ویژه طرح و اجرای استراتیژی تطبیق قانون منع خشونت علیه زن توسط حکومت حمایت به عمل آورند. به همین شکل از برنامه اولویت ملی "قانون و عدالت برای همه" و برنامه اولویت ملی "ظرفیت سازی جهت تسریع تطبیق پلان کاری ملی برای زنان افغانستان" حمایت نمایند.
- برنامه ها برای ارایه خدمات تخنیکي و حمایت از دفاتر خارنوالی و محاکم در ولایات، اخصا با هدف تطبیق قانون منع خشونت علیه زن را توسعه دهند.
- حمایت از مراکز حمایوی زنان را که برای زنان قربانی خشونت پناه گاه آماده می سازند افزایش دهد و همچنین درحمایت شان از واحد ها و کمیسیون های اختصاصی مبارزه با خشونت علیه زنان در دفاتر خارنوالی که موارد خشونت علیه زنان را تحت تعقیب عدلی قرار می دهند افزایش به عمل آورد.

قانون منع خشونت علیه زن

فصل اول احکام عمومی مبنی:

ماده اول:

این قانون در روشنی احکام مواد بیست و چهارم و پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان وضع گردیده است.

اهداف:

ماده دوم:

اهداف این قانون عبارت اند از:

- 1- تأمین حقوق شرعی و قانونی و حفظ کرامت انسانی زن.
- 2- حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم، عرف و عادات مغایر احکام دین مقدس اسلام مسبب خشونت علیه زن.
- 3- حمایت مجنی علیهای خشونت ((زن متضرر)) یا معروض به خشونت.
- 4- جلوگیری از خشونت علیه زن.
- 5- تأمین آگاهی و آموزش عامه در مورد خشونت علیه زن.
- 6- تعقیب عدلی مرتکب جرم خشونت علیه زن.

اصطلاحات

ماده سوم:

اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را فاده می نماید:

- 1- زن: عبارت از اناث بالغ و نا بالغ می باشد.
- 2- خشونت: ارتکاب اعمال مندرج ماده پنجم این قانون است که موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال یا روان زن می گردد.
- 3- تجاوز جنسی: ارتکاب فعل زنا یا لواط با زن بالغ توأم با اجبار و اکراه یا ارتکاب آن با زن نا بالغ و یا تجاوز بر عفت و ناموس زن است.
- 4- بد دادن: به شوهر دادن زن است در بدل دیت یا صلح به ارتباط قتل، تجاوز جنسی یا سایر احوال به پیروی از رسوم، عرف و عادات ناپسند.

- 5- تحقیر: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب اهانت (کوچک ساختن) شخصیت زن گردد.
- 6- تخویف: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب ایجاد رعب و ترس زن گردد.
- 7- آزار و اذیت: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ یا به هر وسیله یا به هرنحوی است که موجب صدمه به شخصیت، جسم و روان زن گردد.
- 8- انزوای اجباری: ممانعت از دید و بازدید زن با محارم شرعی می باشد.
- 9- تدابیر وقایعی: اقدامات عملی است که به منظور امحای عوامل خشونت و جلوگیری از وقوع اتخاذ می گردد.
- 10- تدابیر حمایتی: اقدامات عملی است که به منظور حمایت از مجنی علیها (متضرر خشونت) اتخاذ می گردد.

منع خشونت

ماده چهارم:

خشونت جرم بوده، هیچ کس حق ندارد در محل سکونت، اداره دولتی یا غیر دولتی، مؤسسات، محلات عامه، وسایط نقلیه یا سایر محلات، مرتکب آن گردد، در صورت ارتکاب مطابق احکام این قانون مجازات می گردد.

موارد خشونت

ماده پنجم:

ارتکاب اعمال ذیل علیه زن، خشونت شناخته میشود:

- 1- تجاوز جنسی.
- 2- مجبور نمودن به فحشاء
- 3- ضبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند.
- 4- آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی، زهری و یا سایر مواد ضررناک.
- 5- مجبور نمودن به خود سوزی یا خود کشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک.
- 6- مجروح یا معلول نمودن.
- 7- لت و کوب.
- 8- خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج.
- 9- بد دادن.
- 10- نکاح اجباری.
- 11- ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج.

-
-
- 12- نکاح قبل از اكمال سن قانونی.
 - 13- دشنام، تحقیر و تخویف.
 - 14- آزار و اذیت.
 - 15- انزوای اجباری.
 - 16- اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر.
 - 17- منع تصرف در ارث.
 - 18- منع تصرف اموال شخصی.
 - 19- ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی.
 - 20- کار اجباری.
 - 21- ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده (86) قانون مدنی.
 - 22- نفی قرابت.

حقوق مجنی علیها

ماده ششم:

مجنی علیهای خشونت دارای حقوق ذیل می باشد:

- 1- تعقیب عدلی مرتکب خشونت مطابق احکام قانون.
- 2- دسترسی به مرکز حمایتی یا خانه امن یا سایر محصولات مصون به موافقه وی.
- 3- دسترسی به خدمات صحی عاجل طور رایگان.
- 4- داشتن وکیل مدافع یا مساعد حقوقی.
- 5- جبران خساره ناشی از عمل جرمی.
- 6- محرمیت موضوع نسبیتی.
- 7- سایر حقوق که در اسناد تقنینی پیشینی گردیده است.

مراجعه به ادارات

ماده هفتم:

- 1- مجنی علیهای خشونت، خود یا اقارب وی می توانند به ادارات پولیس و حقوق، محاکم یا سایر مراجع ذیربط طور کتبی شکایت نمایند.
- 2- ادارات مندرج فقره (1) این ماده مکلف اند، شکایت واصله را ثبت و مطابق احکام قانون آنرا رسیدگی نموده و وزارت امور زنان را طور کتبی مطلع سازند.
- 3- وزارت امور زنان مکلف است بعد از کسب اطلاع کتبی یا شکایت مستقیم مجنی علیهای خشونت یا اقاربش جهت تأمین ارتباط با مجنی علیهای خشونت تدابیر لازم را اتخاذ و عملی نماید.

4- خازنوالی و محکمه مکلف اند، قضیه خشونت را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند.

5- مسؤولین مراجع مندرج فقره (1) این ماده مکلف اند، حین رسیدگی شکایت واصله، طرزالعمل سلوک خاص را که بدین منظور از طرف کمیسیون منع خشونت وضع میشود، رعایت نمایند.

فصل دوم

تدابیر وقایوی و حمایوی

مکلفیت وزارت امور زنان

ماده هشتم:

وزارت امور زنان مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان به همکاری سایر وزارت ها و ادارات دولتی و غیر دولتی و مؤسسات ذیربط، تدابیر وقایوی و حمایوی ذیل را اتخاذ نماید:

- 1- انسجام فعالیت های ادارات دولتی و غیردولتی و مؤسسات عرضه کننده خدمات در عرصه جلوگیری از خشونت و تأمین هماهنگی میان آنها.
- 2- بلند بردن سطح آگاهی مرد و زن از حقوق و وجایب شرعی و قانونی آنها.
- 3- فراهم نمودن زمینه حفاظت و نگهداری مجنی علیهای خشونت یا معروض به آن در مرکز حمایوی و یا در صورت عدم موجودیت در سایر محلات مصئون مربوط، نظارت و واریسی از آن.
- 4- تدویر سیمینار ها، ورکشاپ ها، کنفرانسها و سایر برنامه های آموزشی جهت بلند بردن سطح آگاهی عامه و شناسایی موارد خشونت و عواقب ناشی از آن برای کارکنان ادارات دولتی و غیر دولتی، مؤسسات، ساکنین محلات و روستاها و دریافت راه حل ها.
- 5- توضیح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احکام شرع و قانون از طریق نشرات مربوط.
- 6- حصول اطمینان از تطبیق برنامه های آموزشی و ظرفیت کاری ادارات غیر دولتی و مؤسسات ذیربط.

مکلفیت وزارت ارشاد، حج و اوقاف

ماده نهم:

وزارت ارشاد، حج و اوقاف مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت، تدابیر وقایوی ذیل را اتخاذ نماید:

1- ترتیب برنامه های منظم جهت ايراد موعظه ها و خطابه ها در رابطه به حقوق و وجايب شرعى مردان و زنان و اجراى آن توسط ملا امامان، خطباء و واعظان مساجد و تكايا (حسينيه ها) و حصول اطمينان از تطبيق آن.

2- تدوير سيمينارها، ورکشاپ ها و كنفرانس ها براى ملا امامان، خطباء و واعظان.

3- توضيح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احكام شرع و قانون از طريق نشرات مربوط.

مكلفيت وزارت هاى معارف و تحصيلات عالى

ماده دهم:

وزارت هاى معارف و تحصيلات عالى مكلف اند، به منظور جلوگيرى از خشونت تدابير و قاويى ذيل را اتخاذ نمايند:

1- گنجانيدن موضوعات مربوط به خشونت و عواقب ناشى از آن چگونگى جلوگيرى از خشونت در نصاب درسى و تحصيلى مربوط.

2- تدوير سيمينارها، ورکشاپ ها و كنفرانس ها براى كاركنان، متعلمين و محصلين مربوط.

3- اتخاذ تدابير لازم به منظور جلوگيرى از وقوع خشونت در محيط تعليمى و تحصيلى مربوط.

4- توضيح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احكام شرع و قانون از طريق نشرات مربوط.

مكلفيت وزارت اطلاعات و فرهنگ

ماده يازدهم:

وزارت اطلاعات و فرهنگ مكلف است به منظور جلوگيرى از خشونت تدابير و قاويى ذيل را اتخاذ نمايد:

1- تنظيم و نشر برنامه هاى راديويى و تلويزيوني در مورد عوامل خشونت و عواقب ناشى از آن و نشر مطالب مربوط در روزنامه ها، اخبار و جرايد.

2- فراهم نمودن زمينه براى وزارت ها و ادارات دولتى و ساير اشخاص حقيقى يا حكمى جهت پخش و نشر مطالب مربوط به منع خشونت از طريق رسانه هاى تحت اثر.

3- جلوگيرى از نشر و پخش برنامه هاى ترويج كننده خشونت از طريق رسانه هاى همگانى.

مكلفيت وزارت عدليه

ماده دوازدهم:

وزارت عدليه مكلف است به منظور جلوگيرى از خشونت تدابير و قاويى و حمايتى ذيل را اتخاذ نمايد:

- 1- بلند بردن سطح آگاهی زن و مرد از حقوق و وجایب شرعی و قانونی آنها.
- 2- فراهم نمودن زمینه توضیح و تشریح مطالب مربوط به عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن برای مردان و زنان تحت توقیف، حجز و حبس از طریق مسئولین مربوط و سایر سازمانهای اجتماعی ذیربط.
- 3- تدویر سیمینار ها و ورکشاپ ها جهت آگاهی کارکنان ادارات حقوق و مساعدت های حقوقی از احکام این قانون و فراهم نمودن زمینه تطبیق بهتر آن.
- 4- توزیف مساعد حقوقی در صورت تقاضای مجنی علیهای خشونت.

مكلفیت وزارت امور داخله

ماده سیزدهم:

وزارت امور داخله مكلف است به منظور جلوگیری از خشونت در تمام محلات عامه تدابیر و قایوی و حمایتی را اتخاذ و عملی نماید.

مكلفیت وزارت صحت عامه

ماده چهاردهم:

وزارت صحت عامه مكلف است به منظور معالجه و تداوی عاجل و رایگان مجنی علیهای خشونت در مراکز صحتی مربوط، تدابیر مؤثر و عملی را اتخاذ و از چگونگی آن به وزارت امور زنان گزارش دهد.

کمیسیون عالی منع خشونت

ماده پانزدهم:

به منظور مبارزه مؤثر علیه جرایم خشونت و تأمین هماهنگی میان ادارات دولتی و غیر دولتی و مؤسسات ذیربط در زمینه، کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تحت ریاست وزیر امور زنان به ترکیب ذیل ایجاد می گردد:

- 1- مرستیال لوی خارنوالی.
- 2- معین وزارت امور داخله.
- 3- معین وزارت عدلیه.
- 4- معین وزارت صحت عامه.
- 5- معین وزارت اطلاعات و فرهنگ.
- 6- معین وزارت معارف.
- 7- معین وزارت تحصیلات عالی.
- 8- معین وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین.

- 9- معین وزارت ارشاد، حج و اوقاف.
- 10- عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- 11- رئیس محکمه اختصاصی فامیلی ولایت کابل.
- 12- رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع.

وظایف و صلاحیت های کمیسیون

ماده شانزدهم:

- 1) کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد.
- 1- مطالعه و ارزیابی عوامل ارتکاب خشونت در کشور و اتخاذ تدابیر وقایوی جهت رفع آن.
- 2- طرح پروگرام های تبلیغاتی و آگاهی عامه به منظور جلوگیری از ارتکاب خشونت.
- 3- تأمین هماهنگی فعالیت های ادارات دولتی و غیر دولتی ذیربط در امر مبارزه علیه خشونت.
- 4- جمع آوری احصائیه و ارقام جرایم خشونت.
- 5- ارائه پیشنهاد مبنی بر تعدیل احکام این قانون.
- 6- پیشنهاد مقرر و وضع لوایح و طرز العمل های مربوط به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون.
- 7- مطالعه معلومات در مورد قضایای خشونت از پولیسی خاړنوالی و محکمه.
- 8- ترتیب گزارش سالانه اجراءات در مورد خشونت و ارائه آن به شورای وزیران.
- 9- سایر وظایفی که از طرف حکومت محول می شود.
- 2) طرز فعالیت کمیسیون توسط لایحه ای که از طرف کمیسیون تصویب می شود، تنظیم می گردد.

فصل سوم احکام جزائی

تجاوز جنسی

ماده هفدهم:

- 1- شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن بالغ گردد، با نظر داشت حکم مندرج ماده (426) قانون جزاء به حبس دوام و در صورت فوت مجنی علیها به اعدام محکوم می گردد.
- 2- شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن نا بالغ گردد، با نظر داشت حکم مندرج ماده (426) قانون جزاء به حد اکثر حبس دوام و در صورت فوت مجنی علیها به اعدام محکوم می گردد.
- 3- در حالات مندرج فقره های (1 و 2) این ماده مرتکب به پرداخت وجه معادل مهر مثل به حیث جبران خساره به مجنی علیها نیز محکوم می گردد.

4- شخصی که مرتکب تجاوز به عفت و ناموس زن گردد، ولی تجاوز وی منجر به فعل زنا یا لواط نگردد (تفخیز، مساحقه یا امثال آنرا مرتکب گردد)، حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

5- هرگاه مجنی علیهای جرم مندرج فقره (4) این ماده به سن (18) سالگی نرسیده یا مرتکب جرم، اقارب تا درجه سوم، مربی، معلم، مستخدم یا طبیب مجنی علیها بوده و یا به نحوی بالای مجنی علیهای نفوذ و اختیار داشته باشد، فاعل حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

مجبور نمودن به فحشاء

ماده هجدهم:

1- شخصی که زن بالغ را مجبور به فحشاء نماید، حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

2- هرگاه مجنی علیهای جرم مندرج فقره (1) این ماده زن نابالغ باشد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

ظبط و ثبت هویت مجنی علیها و نشر آن

ماده نوزدهم:

شخصی که هویت مجنی علیهای جرایم تجاوز جنسی و اجبار به فحشا را ضبط و ثبت یا بدون حکم قانون افشاء و یا تصاویر آنرا نشر نماید، به نحویکه به شخصیت وی صدمه برساند، حسب احوال به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی

ماده بیستم:

1- شخصی که زن را آتش بزند یا بر بدن وی مواد کیمیاوی یا زهری و یا سایر مواد ضررناک را که موجب جراحت یا معلولیت گردد، استعمال نماید یا مواد زهری را به وی بخوراند و یا در بدن وی زرق نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد، محکوم می گردد.

2- در حالت مندرج فقره (1) این ماده هرگاه هدف از ارتکاب اعمال مذکور ایجاد رعب و وحشت در جامعه به منظور حرمان زنان از حقوق مدنی باشد و یا منجر به مرگ مجنی علیها گردد مرتکب حسب احوال به حبس دوام یا اعدام محکوم می گردد.

خود سوزی و خود کشی

ماده بیست و یکم:

هرگاه زن به اثر خشونت مجبور به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد کیمیای یا زهری و یا سایر مواد ضررناک به خود گردد، عامل خشونت در صورت مجروحیت و معلولیت مجنی علیها به حبس متوسط و در صورت مرگ مجنی علیها، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

جراحت و معلولیت

ماده بیست و دوم:

- 1- شخصی که زن را مورد ضرب و جرح قرار دهد، حسب احوال و با نظر داشت شدت و خفت جرم مطابق احکام مندرج مواد (407 الی 410) قانون جزا مجازات می گردد.
- 2- هرگاه اعمال مندرج فقره (1) این ماده منجر به مرگ مجنی علیها گردد، مرتکب حسب احوال به جزای پیشینی شده مندرج مواد (395 الی 399) قانون جزاء محکوم می گردد.

لت و کوب

ماده بیست و سوم:

شخصی که زن را مورد لت و کوب قرار دهد ولی منجر به جراحت یا معلولیت وی نگردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

خرید و فروش زن به منظور یا بهانه ازدواج

ماده بیست و چهارم:

شخصی که زن را به منظور یا بهانه ازدواج به فروش رساند یا خریداری یا در آنها وساطت نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

بد دادن

ماده بیست و پنجم:

- 1- شخصی که زن را به نام بد دادن به نکاح بدهد یا بگیرد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می گردد.
- 2- در حالت مندرج فقره (1) این ماده اشخاص ذیدخل (شاهد، وکیل، مصلح، و عاقد)، هر یک حسب احوال به حبس متوسط، محکوم و عقد نکاح در صورت مطالبه زن بد داده شده مطابق احکام قانون فسخ می گردد.

نکاح اجباری

ماده بیست و ششم:

هرگاه شخصی، زنی را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نموده بدون رضایت وی نامزد یا به عقد نکاح درآورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد محکوم، نامزدی و نکاح مطابق احکام قانون فسخ می گردد.

ممانعت از حق ازدواج

ماده بیست هفتم:

هرگاه شخص مانع ازدواج زن گردد یا حق انتخاب زوج را از وی سلب نماید، حسب احوال به حبس قصیر محکوم میگردد.

نکاح قبل از اكمال سن قانونی

ماده بیست و هشتم:

هرگاه حق زن را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نه نموده و بدون رعایت حکم مندرج ماده (71) قانون مدنی به عقد نکاح درآورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد، محکوم و نکاح در صورت مطالبه زن، مطابق احکام قانون فسخ می گردد.

دشنام، تحقیر یا تخویف

ماده بیست و نهم:

شخصی که زن را دشنام دهد یا تحقیر و یا تخویف نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می گردد.

آزار و اذیت

ماده سی ام:

- 1- شخصی که مرتکب آزار و اذیت زن گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می گردد.
- 2- هرگاه جرم مندرج فقره (1) این ماده با استفاده از موقف و مقام ارتکاب یابد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه کمتر نباشد، محکوم میگردد.

انزوای اجباری

ماده سی و یکم:

شخصی که زن را به انزوا مجبور نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر

ماده سی و دوم:

شخصی که زن را مجبور به اعتیاد به مواد مخدر نماید، به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

منع تصرف در ارث

ماده سی و سوم:

شخصی که مانع تصرف زن در متروکه مورث وی گردد، بر علاوه واگذاری سهم شرعی وی، حسب احوال به حبس قصیر که از یک ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

منع تصرف در اموال

ماده سی و چهارم:

شخصی که اموال شخصی زن را تصرف یا او را از تصرف در آن منع نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم و مال به تصرف زن گذاشته می شود.

ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی

ماده سی و پنجم:

شخصی که زن را از حق تعلیم، تحصیل، کار، دسترسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین مانع گردد، احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

کار اجباری

ماده سی و ششم:

شخصی که زن را به کار اجباری وادار نماید، علاوه بر جبران خساره، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

ازدواج با بیش از یک زن

ماده سی و هفتم:

شخصی که بدون رعایت احکام مندرج مواد (86 و 89) قانون مدنی با بیش از یک زن ازدواج نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می گردد.

نفی قرابت

ماده سی و هشتم:

شخصی که از قرابت زن به مقصد محروم ساختن از حق میراث یا اتلاف سایر حقوق شرعی و قانونی و یا انکار، ولی قرابت وی به حکم محکمه ثابت گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می گردد.

تعقیب عدلی

ماده سی و نهم:

1- رسیدگی به دعاوی مربوط و تعقیب عدلی مرتکبین جرایم مندرج مواد (22 الی 39) این قانون به اساس شکایت مجنی علیها یا وکیل وی صورت می گیرد.

2- مجنی علیها می تواند در موارد مندرج فقره (1) این ماده در هر مرحله از تعقیب عدلی (کشف تحقیق، محاکمه یا محکومیت) از شکایت خویش منصرف گردد) در این صورت رسیدگی به دعوی تطبیق جزاء متوقف می گردد.

اشتراک در جرم

ماده چهل:

شخصی که در ارتکاب جرایم مندرج این فصل با شخصی دیگری اشتراک نماید، حسب احوال مطابق احکام مندرج مواد (39 و 41 الی 48) قانون جزاء مجازات می گردد.

جبران خساره

ماده چهل و یکم:

مرتکبین جرایم مندرج این قانون برعلاوه جزاهای پیشبینی شده، حسب احوال به جبران خساره وارده نیز محکوم می گردند.

فصل چهارم

احکام نهائی

عدم تعلیق، عفو و تخفیف مجازات

ماده چهل و دوم:

مجازات محکومین جرایم خشونت تعلیق، عفو یا تخفیف شده نمی تواند.

ارجحیت

ماده چهل و سوم:

هرگاه حکم این قانون با حکمی از احکام سایر قوانین نافذه در مغایرت واقع گردد، حکم این قانون مرجح دانسته می شود.

انفاذ

ماده چهل و چهارم:

این قانون از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ می گردد.